

Abstract

In this study, the relationship between the use of social networks and the durability of family relationships in rural areas of Kashmar city has been investigated. The research method is a mixed exploratory method that has been done in two parts: qualitative and quantitative. In the qualitative part of the sample, there were 20 social media experts and family experts. These individuals were selected by purposive sampling. Theoretical coding including open, axial and selective coding was used to analyze the data. In the quantitative section, 386 families living in rural areas of Kashmar city were selected by random sampling. Kashmar was chosen because the cohesion of families, especially rural families in the city was high and the divorce rate was very low before the spread of social networks, but in recent years, this number has increased and concerns Created some. The research method in this section is correlational. SPSS software as well as Pearson correlation coefficient, simple linear regression and structural equation model were used to analyze the data. In the qualitative part, the phenomenological method is used and the tools used are semi-structured interviews. The results of the research in this section all agreed on the issue of the role of social networks in rural areas of Kashmar city and in a small part showed that dependence on networks interferes in family relationships and causes problems in couples' relationships..

key words:

Social networks, durability of family relationships, couples relationships, Kashmir, rural areas

نقش شبکه‌های اجتماعی در پایداری ارتباطات خانواده در مناطق روستایی شهرستان کاشمر

نرجس ابراهیمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

حمیدرضا حسینی دانا^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

بیبا شاه منصوری^۳

چکیده

در این پژوهش به بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دوام ارتباطات خانوادگی در مناطق روستایی شهرستان کاشمر پرداخته شده است. روش پژوهش از نوع روش آمیخته اکتشافی است که در دو بخش کیفی و کمی انجام شده است. در بخش کیفی نمونه مورد نظر ۲۰ نفر از متخصصان حوزه شبکه‌های اجتماعی و کارشناسان خانواده بودند. این افراد با نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از کدگذاری نظری شامل کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شده است. در بخش کمی ۳۸۶ نفر از خانواده‌های ساکن روستاهای شهرستان کاشمر با نمونه‌گیری تصادفی برگزیده شدند. شهرستان کاشمر به این دلیل انتخاب شد که انسجام خانواده‌ها بویژه خانواده های روستایی در این شهرستان از رتبه بالایی برخوردار بوده و آمار طلاق آن تا قبل از گسترش شبکه های اجتماعی، بسیار پایین بود اما در سالهای اخیر، این آمار رو به فزونی نهاد و نگرانی هایی را ایجاد کرد. روش پژوهش در این بخش از نوع همبستگی است. برای تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و همچنین ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی ساده و مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. در بخش کیفی از روش پدیدارشناسی استفاده شده و ابزار مورد استفاده مصاحبه نیمه ساختار یافته است. نتایج پژوهش در این بخش همگی در تایید موضوع نقش شبکه های اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان کاشمر توافق کردند و در بخش کمی نشان داد که وابستگی به شبکه ها در ارتباط خانوادگی مداخله می کند و سبب ایجاد مشکلاتی در روابط زوجین می شود.

واژگان کلیدی: شبکه های اجتماعی، دوام ارتباطات خانواده، روابط زوجین، کاشمر، مناطق روستایی

دانشجوی دکتری، گروه علوم ارتباطات، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران^۱

استادیار گروه مدیریت رسانه، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران^۲

استادیار گروه علوم ارتباطات، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران^۳

مقدمه

جامعه‌شناسان معتقدند که ارتباطات مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی بیشترین تاثیر خود را در روابط خانوادگی برجا می‌گذارد. دلیل اصلی تاثیرات مذکور این است که اعضای یک خانواده ترجیح می‌دهند اتفاقات مهم هر روزشان را روی شبکه‌های رسانه‌ای و فضاهای اجتماعی به اشتراک بگذارند و اتفاقات شخصی زندگی خود را عمومی کنند. در واقع، شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌ای از افراد، گروه‌ها و ارتباطات بین آنها است (مولایی، ۱۳۸۹: ۵۵). نفوذ فراگیری این شبکه‌ها به حدی است که حتی دیده شده والدین در صفحات اجتماعی متوجه شده‌اند که فرزندشان باردار است یا نامی را برای نوزادش در نظر گرفته است. اگرچه این مثال‌ها در ظاهر چندان هم بد نیستند اما واقعیت این است که اینها می‌تواند روابط میان اعضای خانواده را به سردی برده و آن را تخریب کند. اینترنت در بسیاری از مواقع موجب شده تصور کنیم که ارتباطات بیشتر و گسترده‌ای با اطرافیان داریم اما به نظر منتقدان، این افزایش کمی از کیفیت بعد انسانی ارتباطات جمعی کاسته است. این مسئله در آینده نزدیک می‌تواند یک آسیب جدی باشد زیرا فرزندان ترجیح می‌دهند صحبت تلفنی کوتاه‌تری با والدین داشته باشند و حتی اگر پدر یا مادرها در سایتی مانند: فیسبوک عضویت نداشته باشند، از زندگی عقب می‌مانند.

گسترش فضای مجازی مانند سایر انواع دیگر تحولات و پیشرفت‌ها، پیامدها و آثار مثبت و منفی گوناگونی را در جامعه و زندگی کاربران این فضا ایجاد کرده است. مثبت‌ترین پیامد آن را می‌توان تسهیل و تسریع ارتباطات و تبادل اطلاعات دانست. منفی‌ترین پیامد را هم می‌توان به خطر افتادن حریم خصوصی افراد، مزوی شدن آن‌ها و ازهم پاشیدگی بنیان خانواده معرفی کرد (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۳۵).

بر اساس نتایج پژوهش یاراحمدی، زارعی و جعفری (۱۳۹۸) گسترش شبکه‌های اجتماعی آنلاین، درک پیامدهای دو سویه بر زندگی زوجی را همانند سایر بسترهای تعاملاتی دور از ذهن نمی‌سازد. از این رو مدیریت پیامدهای منفی حضور در شبکه‌های اجتماعی و تقویت جنبه‌های مثبت آن ضرورت آموزش در این باره را آشکار می‌سازد. براساس یافته‌های عبدالرحمانی، حسین‌پور و بشیری (۱۳۹۷) محتوای شبکه اجتماعی تلگرام در تبلیغ سبک‌های زندگی غربی، اطلاع‌رسانی نامطلوب، ترویج بی‌بند و باری، کم رنگ کردن ارزش‌های مذهبی و تضعیف نظارت خانوادگی تأثیر داشته است. شکربیگی (۱۳۹۶) در پژوهشی باعنوان «بررسی جامعه‌شناختی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین منطقه ۱ شهر تهران» دریافت که بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی با ظهور طلاق عاطفی، ناسازگاری هویتی، اباحه‌گری عملی، نارضایتی از زندگی زناشویی و ظهور خانواده‌های کم جمعیت و بدون فرزند رابطه معناداری وجود دارد.

مک دانیل، دروینو کرونز (۲۰۱۷) دریافتند که رسانه‌های اجتماعی مجازی مسیری یکنواخت برای رفتارهایی که ممکن است به صورت بالقوه به روابط عاشقانه زوجین صدمه بزند، فراهم می‌کند. مثل برقراری ارتباط با یک دوست جایگزین که ممکن است منجر به ایجاد تعارض، شکاف در رابطه و در نهایت طلاق شود. راسل و کلیتون (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «چرخ سوم: تأثیر استفاده از شبکه اجتماعی تویتر در رابطه با خیانت و طلاق» انجام دادند. نتیجه‌گیری کردند که استفاده افراطی از تویتر می‌تواند منجر به افزایش میزان مناقشه در میان همسران شود. چنین شرایطی می‌تواند بستر ساز اختلاف میان همسران و جدایی منجر به طلاق شود. والنزونا (۲۰۱۴) نیز نشان داد که میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با کیفیت زندگی زناشویی و شادی همسران همبستگی منفی و با تجربه یک رابطه مشکل‌دار و فکر کردن در مورد طلاق همبستگی مثبت دارد. در پژوهشی هم که توسط دیویس (۲۰۱۲) بر روی ۷۵ زوج و مبتنی بر چارچوب مدل شناختی-اجتماعی لارس (۲۰۰۹) انجام شد این نتیجه به دست آمده که بین مصرف رسانه و اینترنت با رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد.

بر این مبنا پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا نقش شبکه‌های اجتماعی در حفظ پایداری ارتباطات خانوادگی در مناطق روستایی شهرستان کاشمر را بررسی کند. زیرا مناطق روستایی این شهرستان همواره جزو کم‌تعلق‌ترین مناطق کشور بوده و بیم آن می‌رود که عدم آشنایی کافی و سوء‌مصرف در فناوری جدید شبکه‌های اجتماعی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به وضعیت یاد شده وارد نماید.

۱-۱ بیان مساله

امروزه با گسترش فناوری‌های نوین و رسانه‌های ارتباطی، شاهد گسترش ارتباطات و به تعبیر مک‌لوهان شکل‌گیری دهکده جهانی هستیم؛ با وجود رشد و پیشرفت فناوری اطلاعات و نوین شدن ساختار و روابط سازمان اجتماعی، خانواده همچنان به عنوان کوچک‌ترین و بنیادی‌ترین واحد اجتماعی شناخته می‌شود که همچنان مهد شکل‌گیری و رشد شخصیت فردی و اجتماعی انسان‌ها به شمار می‌آید؛ باید اذعان داشت علی‌رغم تمامی این نوآوری‌ها هرگز نمی‌توان نهادی فراتر از خانواده برای رشد و پرورش و رفع نیازهای روحی و روانی افراد متصور شد. از طرفی امروزه عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و اینترنت رو به گسترش است. فعالیت مداوم در فضای مجازی علی‌رغم کارکرد مثبتی که دارد، آسیب‌هایی را نیز به همراه دارد که سلامت روانی و اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ از جمله، احتمال کاهش ارتباطات خانوادگی و تضعیف روابط صمیمی و تعاملات اعضای خانواده رادر پی دارد. امروزه، استفاده از اینترنت و حضور در فضای مجازی، زندگی روزانه و روش‌ها و تعاملات انسان‌ها برای اجتماعی شدن را توسط شبکه‌های اجتماعی در هم نوردیده و آن را دستخوش تغییر و تحولاتی گسترده کرده است (دترز و مهل ۲۰۱۳: ۵۷۹). همه‌گیر شدن عضویت و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، این نگرانی به وجود آورده است که شبکه‌های اجتماعی موجب می‌شوند کاربران دچار استفاده بی‌رویه از فضای مجازی شوند و به مرور از ارتباطات فضای واقعی دور شوند. این وضعیت ممکن است روابط آن‌ها با افراد نزدیک خود، از جمله ارتباط درون خانواده را در سطوح مختلف تحت تأثیر منفی قرار دهد. وقتی کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی، یکی پس از دیگری آسیب ببینند، اعضای آن، به تدریج احساس رضایت مندی خود را از دست می‌دهند. کاهش تدریجی رضایت مندی اعضای خانواده، ابتدا موجب گسست روانی عاطفی و اجتماعی، سپس جدایی و آسیب‌های اجتماعی چون طلاق و همچنین، کاهش روابط کلامی و عاطفی میان زن و شوهر و ناتوانی آن‌ها برای ایجاد فضای گفت‌وگو را سبب می‌شود. چنین شرایطی، ممکن است سبب احساس تنهایی و گرایش افراطی به فضای مجازی شود. این پدیده، از مشکلات جدید خانواده‌ها در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات و بررسی آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. بنابراین، خلاء پژوهش اکتشافی و کیفی در زمینه‌ی اثرات در پی دارد. امروزه، استفاده از اینترنت و حضور در فضای مجازی، زندگی روزانه و روش‌ها و تعاملات انسان‌ها برای اجتماعی شدن را توسط شبکه‌های اجتماعی در هم نوردیده و آن را دستخوش تغییر و تحولاتی گسترده کرده است.

از نگاه بل (۲۰۰۱) فضای مجازی فقط مجموعه‌ای از سخت‌افزار نیست بلکه مجموعه‌ای از تعاریف نمادین است که شبکه‌ای از عقاید و باورها را رد و بدل می‌کنند فضای مجازی در واقع نامی است که تعداد زیادی از کاربردهای امروز فناوری‌های جدید ارتباطی را در بر می‌گیرد. این نام، نخستین بار به وسیله ویلیام گیسون در رمان نورومانسر (۱۳۸۴) ابداع شد. با پدید آمدن شبکه‌های اجتماعی، شکل جدیدی از زندگی در فضای مجازی شکل گرفت و روابط میان افراد با شکل سنتی آن تفاوت یافت. شبکه‌های اجتماعی تأثیر غیر قابل انکاری بر روابط اجتماعی برجای گذاشته و به یکی از طرفدارترین رسانه‌ها تبدیل شده است که مخاطبان بسیاری بخصوص از قشر جوان دارند. ویژگی‌های تعاملی و ایجاد بستر برای ایجاد روابط اجتماعی، از دلایل اقبال شبکه‌های اجتماعی است. شبکه‌های اجتماعی با قابلیت‌هایی که در اختیار کاربران خود قرار می‌دهند، به پنج

اولویت اول کاربران اینترنت تبدیل شده اند (اسلامی ۱۳۹۲: ص ۷). در بررسی تعاملات افراد در خانواده‌ها، باید به دو نهاد اثرگذار خانواده و رسانه توجه شود. یکی از نظریه‌های درخور توجه در زمینه رسانه‌های جمعی، نظریه دوجوانی شدن است. از سوی دیگر اعتماد به عنوان یکی از ابعاد و مولفه‌های سرمایه اجتماعی و به مثابه عامل نگهدارنده در زمره ارزش‌هایی است که باید در قشرها و گروه‌های اجتماعی هر جامعه‌ای ایجاد، تقویت و منتشر شود. این تغییر، همچنین یکی از مهمترین شاخص‌ها و نشانگرهای موثر سلامت و بهزیستی اجتماعی است. «بسیاری از فیلسوفان اجتماعی نظیر هیس و توکویل معتقدند که اعتماد، پایه اساسی نظم اجتماعی است. اعتماد تنش‌های اجتماعی را کاهش و انسجام را افزایش می‌دهد. ایده اساسی این است که اعتماد افراد، همراه با شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی سودمند می‌تواند اثرات مثبتی بر سلامت جسمی و روانی افراد و همچنین بر کارایی نظام داشته باشد» (شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۴-۵)

زوجین بسیاری هستند که با داشتن نقش همسری در یک خانواده، باز هم معتاد به شبکه‌های اجتماعی هستند و به همین دلیل گاهی غافل از نقش‌های مهم خود در خانه می‌شوند. زن و شوهری از مهمترین نقش‌ها می‌توان گفت از ابدی‌ترین نقش‌هایی است که انسان‌ها در زندگی می‌پذیرند و باید در قبال آن به تعهدات و اصول و خواسته‌های یکدیگر احترام بگذارند. این مسئله یک امر کاملاً بدیهی است که استفاده از شبکه‌های اجتماعی، به مرور زمان طرز فکر و روابط فرد را متحول می‌کند (سلیمان‌پور، ۱۳۹۰).

یکی از مواردی که متوجه فضای مجازی و پیدایش آن می‌باشد، آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن است. چرا که همزمان با پیدایش این فضای بی‌زمان و مکان‌آسیب‌ها و تهدیدهای ناشی از آن نیز در خانواده و همچنین خانواده‌های روستایی شروع به خودنمایی می‌کنند. لذا با توجه به مطالب فوق مساله اصلی پژوهش فوق این است که استفاده از شبکه‌های چه نقشی در تغییر ارزش، امارت‌ها و بی‌اعتمادی اعضای خانواده در مناطق روستایی شهرستان کاشمر دارد؟

۲-۱۱ اهمیت و ضرورت پژوهش

امروزه جامعه اسلامی در برابر حجم انبوهی از اطلاعات که قرار گرفته است. پردازش، احیا و تبادل اطلاعات و دانش آن هم با سرعتی شتابان در سایه تکنولوژی الکترونیکی و فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، نحوه برخورد و استفاده از دانش و اطلاعات نیز تغییر یافته‌اند. امروزه، با گسترش رسانه‌ها و عمومی شدن شبکه‌های اجتماعی و ورود سایر وسایل ارتباطی در جوامع بشری، مسائل اجتماعی جدید به وجود آمده و درباره شبکه‌ها و تاثیر آنها مطالعات دقیق و منطقی صورت گرفته است. این مطالعات، حکایت از اهمیت این شبکه‌ها به عنوان یکی از نهاد‌های اجتماعی دارد. شبکه‌های در سطح اجتماعی، پایگاهی را اشغال کرده‌اند که از آن، جایگاه فرهنگ جریان یافته و اشکال سمبلیک و نمادین ریشه دوانده و توسعه می‌یابند به طوریکه می‌توان گفت این شبکه‌ها بر شیوه‌های رفتاری، نحوه سلوک و سلیقه‌های عمومی در جامعه شهری و روستایی و بر هنجارها اثر می‌گذارد. ارتباطات خانوادگی که سبب نمایش هویت و شخصیت افراد در جهان کنونی است از جمله مفاهیمی است که در دنیای امروز مورد توجه بسیار واقع شده است. امروزه الگوهای پوشش، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای انسانی با سرعت هر چه تمام‌تر تغییر می‌کند و افراد برای انطباق خود با جهان پیرامون خویش نیازمند تغییرات زیادی در الگوی مصرف و سبک زندگی خود هستند بنابراین افراد برای ارتقا پیوسته آن نیازمند آگاهی و بهره‌گیری از اطلاعات به روز شده می‌باشند که بخش اعظم این اطلاعات را از طریق شبکه‌های اجتماعی دریافت می‌کنند. بنابراین شبکه‌های اجتماعی قادرند تاثیرات عمیقی را در ساختار فرهنگی جامعه روستایی و روابط خانوادگی زوجین از جمله سبک زندگی از خود به جای گذارد. در چند دهه‌ی اخیر با توجه به افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی در کشورمان شاهد تغییر در مجموعه‌ای از رفتار، عادات، عقاید و ارزش‌های مردم کشورمان و به خصوص زندگی و روابط زناشویی می‌باشیم. از آنجایی که استفاده از شبکه‌های اجتماعی بدون

در نظر گرفتن زمینه های اجتماعی و فرهنگی هر جامعه به اشاعه ارزش های متفاوتی می پردازد که در بسیاری از جنبه ها با واقعیت جامعه ی ما در تعارض است لذا انجام یک تحقیق مقطعی فرصتی خواهد بود برای ارائه فرضیات علمی و نیز پایه ای برای مطالعات طولی به منظور شناخت علل و تبعات وضعیت کنونی و بدین سان سیاستگذاران و عوامل اجرایی با علم به مرتبه عقب ماندگی (توسعه نیافتگی) در این عرصه قادر خواهند بود منابع و اعتبارات را متناسب با عمق شکاف و حد نیاز به این مقوله اختصاص دهند و بنابراین این موضوع که فنآوری های اطلاعاتی و ارتباطی چه تاثیری بر الگوی زندگی مردم کشور ما می گذارد و چگونه با وجود این تاثیرات و تغییرات مداوم می توان از آسیب های استفاده از این رسانه های نوین جهانی در امان ماند نیاز به تحقیق و پژوهش در این زمینه را فراهم می کند تا بتوان راه گشای بسیاری از مشکلات جامعه امروزی باشد. تاکنون در جامعه درباره ی نقش شبکه های اجتماعی بر فرهنگ روستا و به تبع آن تغییر سبک زندگی بررسی چندانی صورت نگرفته است و فقدان ابزار مناسب برای ارزیابی پژوهش های صورت گرفته و استفاده از آن در فعالیت های آموزشی، کنفرانس ها و فراخوان های علمی و آموزشی به شدت به چشم می خورد. اگر چه در خصوص شبکه های اجتماعی مطالعات کمی و کیفی متعددی صورت گرفته است و زنان به عنوان نیمی از جمعیت در تحقیقات مربوط به توسعه و فرهنگ روستا مورد بررسی قرار گرفته اند اما تحقیق مشخصی در زمینه نقش شبکه های اجتماعی بر تغییر ارزش ها، اعتماد و طلاق خانوادگی در روستا صورت نگرفته است. این در حالی است که تحقیق حاضر از تاثیرپذیری بالای خانواده روستایی از شبکه های اجتماعی گواهی می دهد و با توجه به اثرات پژوهش علمی پیرامون مسایل شبکه های اجتماعی لازم و ضروری است تا در جهت روشن شدن چگونگی بررسی این موضوع پژوهش هایی انجام شود، با توجه به عدم پژوهش های کافی در این حوزه و جدید بودن اجرای این پژوهش در جامعه مورد مطالعه، پژوهش حاضر اجرا گردید.

۳-۱-۱ اهداف پژوهش

۳-۱-۱-۱ هدف اصلی: واکاوی نقش استفاده از شبکه های اجتماعی بر دوام ارتباطات خانوادگی در مناطق روستایی شهرستان کاشمر

۳-۱-۲ اهداف فرعی روش کیفی:

شناسایی شاخص های گسترش و پراکنش ارتباطات خانواده های ساکن مناطق روستایی کاشمر در مقابله با شبکه های اجتماعی

واکاوی علل اقبال شبکه های اجتماعی در بین اهالی مناطق روستایی کاشمر.

مطالعه نقش احساس امنیت ناشی از استفاده شبکه های اجتماعی، بر ارزش های خانواده مناطق روستایی کاشمر.

علل تغییرات کنش های خانواده های ساکن مناطق روستایی کاشمر ناشی از استفاده از شبکه های اجتماعی.

واکاوی نقش شبکه های اجتماعی بر ارزش های اجتماعی.

۳-۱-۳ اهداف فرعی روش کمی:

شناسایی ارتباطات خانوادگی کاربران شبکه های اجتماعی مناطق روستایی کاشمر.

مطالعه نقش استفاده از شبکه های اجتماعی بر دوام خانواده در مناطق روستایی کاشمر.

نقش میزان انتشار اطلاعات شخصی کاربران شبکه های اجتماعی بر ارتباط زوجین.

۴-۱ سوالات پژوهش

۴-۱-۱ سوال اصلی تحقیق: شبکه‌های اجتماعی چه میزان بردوام ارتباطات خانوادگی ساکنان مناطق روستایی شهرستان کاشمر نقش دارد؟

۴-۲-۱ سوالات فرعی روش کیفی:

- علل گرایش و اعتماد به محتوای شبکه‌های اجتماعی، در خانواده‌های مناطق روستایی کاشمر کدامند؟
 امنیت ناشی از کاربری شبکه‌های اجتماعی، چه تغییراتی در ارزش‌های خانواده‌های مناطق روستایی کاشمر ایجاد می‌کند؟
 ساختار شبکه‌های اجتماعی چه تغییراتی در کنش‌های خانواده‌های ساکن مناطق روستایی کاشمر ایجاد می‌کند؟
 گسترش و پراکنش ارتباطات خانواده‌های ساکن مناطق روستایی کاشمر چه میزان از شبکه‌های اجتماعی تاثیر می‌پذیرد؟

۴-۳-۱ سوالات فرعی روش کمی:

- آیا استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر ارتباطات خانوادگی اهالی شهرستان کاشمر نقش دارد؟
 آیا میزان انتشار اطلاعات شخصی کاربران شبکه‌های اجتماعی بر ارتباط زوجین شهرستان کاشمر نقش دارد؟
 آیا استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر میزان اعتماد متقابل اعضای خانواده نقش دارد؟

۵-۱ فرضیه‌های پژوهش

از آنجا که بخشی از تحقیق اکتشافی محسوب می‌شود، نیاز به فرضیه ندارد. روش تحقیق کیفی، تنها به سوالات پاسخ داده می‌شود؛ اما برای شناسایی وضعیت موجود که با استفاده از روش کمی انجام شده است، فرضیه‌های زیر طراحی شده‌اند.

- ۵-۱ فرضیه اصلی: استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دوام ارتباطات خانوادگی اهالی مناطق روستایی شهرستان کاشمر نقش دارد.
 ۵-۲ فرضیه‌های فرعی:

- بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دوام ارتباطات خانوادگی اهالی شهرستان کاشمر ارتباط معنادار وجود دارد.
 بین میزان انتشار اطلاعات شخصی کاربران شبکه‌های اجتماعی و ارتباط زوجین شهرستان کاشمر رابطه معنادار وجود دارد.
 بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و میزان اعتماد متقابل اعضای خانواده‌های شهرستان کاشمر رابطه معنادار وجود دارد

مبانی نظری شبکه‌های اجتماعی

مبانی نظری، چارچوب نظری و مدل مفهومی پژوهش

در بررسی موضوع این تحقیق از چارچوب نظری تلفیقی استفاده شده است زیرا با یک نظریه خاص نمی‌توان ارتباطات خانواده و تغییرات آن را تحلیل کرد. لذا این پژوهش از نظریه «از جاکنندگی» گیدنز، کنش ارتباطی، نظرات هابرماس درباره «گفت و گو»، «تعامل رسانه‌ای تامپسون»، «گفتگوی عمومی وایت»، «ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای کاستلز» و در زمینه خانواده از «شبکه خانواده» الیزابت بات، «نظریه دگرگونی ارزشی» اینگلهارت و «نظام سرمایه اجتماعی» جیمز کلمن استفاده شده است.

شکل ۱. چارچوب نظری پژوهش

تئوری	شاخص‌های برگرفته از تئوری	مولفه‌های تشکیل دهنده شاخص

شبکه‌های اجتماعی (متغیر وابسته)	جامعه شبکه ای، روابط خانواده	نظریه کاستلز
کاهش اعتماد (متغیر مستقل) کاهش صمیمیت (متغیر مستقل)	از جاکندگی، ارتباط خانواده	نظریه گیدنز
ارتباط زوجین (متغیر مستقل)	حوزه عمومی، کنش ارتباطی	نظریه هابرماس
منزلزل شدن ارزشها (متغیر مستقل)	ارزشی	نظریه اینگلهارت

جامعه شبکه‌ای کاستلز

کاستلز دو فضای واقعی و مجازی و همچنین کنش‌گری سیاسی در آنها را در یکدیگر تنیده می‌داند اما ارجحیت را به فضای مجازی می‌دهد. او اصرار دارد که قدرت و ضد قدرت در شبکه‌های ارتباطی جهانی نهفته است (کاستلز، ۱۳۹۳: ۷۴۳). کاستلز ۴ نوع قدرت شبکه‌ای را برمی‌شمارد: قدرت شبکه‌بندی، قدرت شبکه، قدرت شبکه‌ای شده، قدرت شبکه‌سازی (کاستلز، ۱۳۹۳، الف: ۱۱۷). وی معتقد است که توسعه شبکه‌های تکنولوژی اطلاعات، اهمیت جریان‌های اطلاعاتی را برای سازماندهی اقتصادی و اجتماعی و توسعه جوامع افزایش داده است. لذا تحولات جوامع و شهرها به دلیل هماهنگی بین تجدید ساختار سرمایه‌داری و نوآوری تکنولوژیک است (وبستر فرانک، ۱۳۸۴: ص ۴۰۸).

موضوع جبرگرایی فناوری در نظریه کاستلز مطرح می‌شود. از نظر او این پیشرفت‌ها با یک منطق اقتصادی محدود از نظر تاریخی امکانپذیر شده و آمیزش تجدید ساختار و اطلاعات گرایشی نشان بارز دوران اخیر است. کاستلز معتقد است سرمایه داری و فعالیت‌های اطلاعاتی تقریباً به هم گره خورده‌اند. فناوری اطلاعات، حاصل رشد تولید و تقاضای مصرف و کاهش هزینه‌ها در جامعه مدرن است و سازمان سرمایه‌داری در پارادایم فناوری اطلاعات و مستقل از یکدیگر توسعه یافته است. از دیدگاه کاستلز این سال‌ها یکی از دوران‌های نسبتاً پایدار و شکوفای سرمایه داری رفاه طلب، شرکت‌گرا و سامان گرفته از دولت است و این وضع پس از پایان رکود دهه ۱۹۷۰ به سمت یک «الگوی نوین سازمان اجتماعی- اقتصادی» در حرکت است. ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی باعث تمرکز زدایی در سازماندهی اجتماعی و اقتصادی همراه با تمرکز در تصمیم‌گیری می‌شود. شهر اطلاعاتی کاستلز یک شهر اختلاف‌انگیز و دوگانه است. این شهر (که دارای دو گروه شاغلین طبقه پایین و گروه نخبگان است) دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد: اقتصاد اطلاعاتی، اقتصاد جهانی وابسته به شبکه‌های اطلاعاتی، فعالیت‌های اقتصادی شبکه‌ای، تحول در اشتغال، ظهور قطب‌های متقابل، فرهنگ واقعیت مجازی، زمان بی‌زمان و فضای جریان‌ها و حرکت سیاست بر بال رسانه‌ها.

نظریه از جاکندگی گیدنز

گیدنز با تکیه بر روابط اجتماعی، مسیر حرکت از مسائل محلی به مسائل جهانی و جهانی شدن را هموار می‌کند. او به ۲ مکانیسم از جاکندگی شامل: نشانه‌های نمادین و نظام‌های تخصصی اشاره می‌کند که نقش بارزی در تحول نهادهای اجتماعی مدرن دارند. نشانه‌های نمادین، ابزارهای مبادله دارای مشروعیت سیاسی هستند. مثل پول که با تعلیق فوریت، تعویق و حضور و غیاب در زمان و مکان؛ بازارهای سرمایه‌داری بین‌المللی را گسترش می‌دهد. نظام‌های تخصصی شامل سیستم‌های انجام کار فنی یا مهارت تخصصی در محیط‌های مادی و اجتماعی هستند. بنابراین اعتماد و ایمان به نظام‌های دانش کاربردی، سبب کاهش خطرات زندگی می‌شود. بنابراین نظام‌های تخصصی، فعالیت در عرض زمان و مکان را تضمین می‌کند.

نظریه ساخت‌یابی گیدنز

در نظریه ساخت‌یابی گیدنز، شبکه‌های اجتماعی مجازی محصول کنش معنادار بین افراد هستند اما پس از شکل گرفتن، انسان را محدود می‌کنند. ساختار این شبکه‌ها بر بازتولید یا تکرار رفتارهاست. گیدنز ویژگی جهانی شدن را در چندبعدی بودن آن می‌داند و معتقد است جهانی شدن، هویت و فرهنگ را دگرگون کرده است. گیدنز معتقد است با تضعیف روابط انسانی، حقوقی و وظایف خانواده سنتی، افراد بیش از گذشته به خودشان متکی می‌شوند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۸-۱۷). او تأکید می‌کند که «پویایی مدرنیته از جدایی زمان و مکان و بازترکیب شدن آنها سرچشمه می‌گیرد و باعث ازجا کردن نظام‌های اجتماعی می‌شود. لذا ساماندهی و بازساماندهی بازاندیشانه روابط اجتماعی در پرتو درون‌دادهای دانشی موجب تحول در کنش افراد و گروه‌ها می‌شود» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۲۱-۱۴).

از نظر گیدنز، جهانی شدن، روابط شخصی را آزادتر می‌کند. مثلاً هر قدر رسانه‌ها افراد را به خود وابسته می‌کنند، ماهیت حقوق و وظایف اعضای خانواده سنتی بیشتر تضعیف می‌شود و درعین حال، هیچ نظام جایگزینی برای آن ارایه نمی‌شود. (کسل، ۱۳۸۳: ۴۹-۴۸). نقطه تمرکز نظریه ساخت‌یابی گیدنز، مفهوم جدایی زمان از مکان است. طبق فرض گیدنز، تغییرات ساختاری قدرت به دلیل سطوح چندگانه جهانی شدن مانند مبادلات پولی، توسعه فناوری و مردم‌سالاری سیاسی باعث جدایی زمان از مکان شده است. در جوامع پیشامدرن، زمان و مکان در مجاورت هم و یکنواخت و هم‌بسته بودند اما در دوران مدرن، گسترش ظرفیت زندگی و کار در گستره زمان و مکان به صورت مجزا از یکدیگر است. به نظر گیدنز، فناوری‌های رسانه‌ای، کنش‌های روزمره را در چارچوب‌های ساختاری قرار می‌دهد. در فرایند امتداد زمان و مکان، تجربه‌های رسانه‌ای شده و روایت‌های مستقل از حقیقت رویدادها به احساس نامنی و تردید درباره دیگران منجر می‌شوند (Laughey, 2007: 97).

در همین منظر، جفری دومازدیه^۱ کارکرد را برای اوقات فراغت مطرح می‌کند: نخستین کاربرد اوقات فراغت، استراحت و رفع خستگی است. کارکرد دوم مربوط به تفریح و سرگرمی است. سومین کارکرد اوقات فراغت به معنای امکان رشد و خودشکوفایی؛ برای هر فرد فرصتی را فراهم می‌کند تا کارهای تکراری را پشت سر بگذارد و به حوزه‌ای پا بگذارد که در آن نیروهای آفریننده‌اش آزادانه با ارزش‌های مسلط تمدنش به مخالفت برخیزد یا آنها را تقویت کند (دومازدیه، ۱۳۵۲: ۱۹).
اطاله دوره جوانی و رواج فناوری‌های جدید برای پرکردن فضای زندگی فردی شهروندان، شرایط جدیدی را بوجود است. تأثیرپذیری از رسانه‌ها افزایش یافته است. جوانان، نسلی هستند که از ابتدا با کامپیوتر و اینترنت کاملاً آشنا شدند. این امر بر ذوق، سلیقه، نیاز ارتباطی و اوقات فراغت آنها تأثیرگذار است. دو فرایند: رسانه‌ای شدن و خانگی شدن گذران اوقات فراغت در جوامع مدرن را توصیف می‌کنند (ذکایی، ۱۳۸۳: ۱).

جوانان بیشتر فراغت خود را در خلوت و با فناوری‌ها می‌گذرانند لذا فرهنگ جدیدی ظهور یافته است که بر تعاملات اجتماعی تأثیر گذاشته است (Rhlingold, 1993: 4). ارتباطات اینترنتی در محیط‌های چت، ضمن تقویت کردن روابط غیروابسته به زمان و مکان، به فضایی برای جستجو و ارضای کنجکاوی جوانان تبدیل شده است. همچنین فضای مجازی و دیجیتال اینترنت، صورت‌های جدید مشارکت‌های اظهاری و عاطفی را به صورت‌های متداول مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی در عرصه‌های حقیقی جامعه جایگزین کرده است. در وجه منفی، استدلال بر این است که سرگرمی‌های مجازی اینترنتی معمولاً به تقلیل سرمایه اجتماعی، انزوا و بریدگی از مشارکت‌های محسوس و عینی، تغییر روابط از اجتماعات و گروه‌های آشنا به اجتماعات شبکه‌ای، قطعه‌قطعه شدن افراطی سلیقه‌ها و خرده فرهنگ‌ها و در نتیجه توده‌وارسازی منجر می‌شود (شیلز، ۱۹۶۳: ۲۸).

نظریه جامعه‌اطلاعاتی دانیل بل

^۱ Joffre Dumazedier

دانیل بل، جامعه‌شناس آمریکایی، شناخته شده ترین توصیف از «جامعه اطلاعاتی» را از طریق نظریه فراصنعت‌گرایی ارائه داده است. اگرچه او این اصطلاح را در سال‌های اواخر دهه ۱۹۵۰ ابداع کرد اما خود او حدوداً در سال ۱۹۸۰ هنگامی که موج احساسات برای پیش‌بینی آینده از طریق توسعه فناوری‌های ارتباطی بر خاسته بود، واژه‌های «اطلاعات» و «آگاهی» را به عنوان پیشوندی برای اصطلاح «فراصنعتی» به کار برد. (وبستر، نظریه جامعه اطلاعاتی: ص ۲۹). او در کتاب «جامعه فراصنعتی آینده» (۱۹۷۳)، فرا رسیدن جامعه فراصنعتی که بعدها جامعه اطلاعاتی خوانده شده را خبر داد (معمد نژاد، ۱۳۷۱: ۵۱). بل تأکید کرد: میدان‌ها در حال تغییرند و رابطه بین عادت و میدان در حال گسست است زیرا کنشگران می‌توانند با توجه به شرایط، نوع بهره‌مندی از اوقات فراغت خود را گزینش می‌کنند و فراغت مجازی را جایگزین شرایط واقعی فراغت کنند. همان‌طور که فرانسیس کایرنکراس می‌گوید «مهم‌ترین جزء درباره یک فناوری نوپدید، چگونگی کارکرد آن نیست، چگونگی استفاده مردم از آن و تغییراتی است که در زندگی بشر ایجاد می‌کند. امروزه کره جدیدی به جهان اضافه شده است که به کره زمین مجازی تعبیر می‌شود و بدین ترتیب با مفاهیم جدیدی مانند زمان مجازی، شغل مجازی و فراغت مجازی مواجه می‌شویم» (ذکایی، ۱۳۸۳: ۲).

نظریه حوزه عمومی هابرماس

هابرماس می‌گوید ارتباط بین افراد متعدد در حوزه عمومی (جامعه) مستلزم استفاده از ابزار پیشرفته‌ای برای پراکنش و انتشار عقاید و تأثیرگذاری بر دیگران است (نوذری، ۴۶۷: ۱۳۸۱). این ابزار برای تسهیل در دسترسی، گفتگو و کنش عمومی بایستی ۴ مقوله: دسترسی به رسانه، دسترسی به اطلاعات، دسترسی افقی (دسترسی به دیگران) و دسترسی عمودی (دسترسی به حاکمان) را فراهم آورد (تورنتون، ۱۹۹۶: ۱۱-۱۹).

"وایت" نیز درباره گفتگوی عام با اشاره به اینکه اعضای حوزه عمومی باید به قواعد خاصی در گفتگو پایبند باشند، می‌گوید: هرکسی که توانایی سخن گفتن و عمل را داشته باشد، حق مشارکت و گفتگو دارد. لذا هیچ‌گونه گوینده‌ای نباید به علت اجبار درونی یا بیرونی از اعمال حقوقش در موارد بالا منع شود (وایت، ۱۲۱: ۱۳۸۰). "فوت" و "اشنایدر" نیز که درباره مبارزات انتخاباتی در اینترنت، مطالعه کرده‌اند، کنش عام را در ۴ شکل: مطلع ساختن، درگیر ساختن، مرتبط ساختن و بسیج کردن؛ تقسیم می‌کنند. آنها ساختار آنلاین را مجموعه‌ای از ویژگی‌ها می‌دانند که روابط بین تولیدکنندگان و کاربران را امکانپذیر می‌کند (فوت و اشنایدر، ۲۰۰۶: ۱۸).

نظریه تعامل رسانه ای تامپسون :

شبکه‌های اجتماعی مجازی سه موقعیت تعاملی مورد نظر تامپسون «تعامل چهره به چهره، تعامل رسانه ای و شبه تعامل رسانه ای» را تغییر داده است. فضای لات چهره به چهره مجازی تعاملات واسطه ای و شبه تعاملات واسطه ای، جایگزین تعاملات شود، ظهور اجتماعات مجازی باعث اضمحلال و زوال اجتماعات واقعی خواهد شد و اجتماع حقیقی تغییر شکل داده، جای خود را به نوع تازه ای از زیست خواهد داد. از نظر شبکه‌های اجتماعی مجازی بستری است که در آن کنشگران با هویت‌های

۱۳۸۰) تامپسون مختلف با هم در تعامل اند. از این رو، تغییرات مهمی در حوزه نگرش و الگوهای ذهنی افراد ایجاد می‌کند. پاتنام نیز تغییرات و رشد روز افزون تکنولوژی و فناوری رسانه‌ها، به ویژه افزایش سرگرمی‌های تلوزیون را منبع اصلی تن‌آسایی می‌داند. وی رسانه‌های اجتماعی را مجرم اصلی در انزوای تدریجی آمریکایی‌ها و تحلیل سرمایه اجتماعی می‌داند که موجب قطع جریان اجتماع می‌شود. از نظر وی، فناوری نقش اساسی در خصوصی شدن فزاینده تجربه دارد که به سهم خود به شکل‌گیری جامعه‌ای متفرق و بی‌سامان منجر می‌شود؛ جامعه‌ای که در آن حفظ روابط سنتی و خانوادگی بسیار دشوار است و روابط انسان‌ها متزلزل می‌شود. این موضوع به صورت فزاینده‌ای در میان نسل جوان رو به رشد است (ساروخانی، و شکریبگی، ۱۳۹۳).

نظریه تحولات خانواده پارسونز: الکتوت پارسونز صاحب یکی از بانفوذترین نظریات در مورد تحولات خانواده است که سال‌های طولانی محور اصلی نظریات جامعه‌شناختی در حوزه خانواده بوده است. پارسونز اعتقاد داشت فرایند توسعه صنعتی منجر به تغییرات خانواده از شکل گسترده به خانواده‌ی هسته‌ای شده است. این نوع خانواده، بر خلاف خانواده گسترده، تمام کارکردهای اجتماعی و اقتصادی خود را از دست داده و صرفاً به واحد سکونت و مصرف تبدیل شده است. کارکردهای اقتصادی، آموزشی، خدماتی، محافظتی و ... خانواده به دیگر نهادها و سازمان‌های اجتماعی مانند شرکت‌ها، کارخانجات، مدارس، بیمارستان‌ها و ... واگذار شده و کارکردهای مهم باقی‌مانده برای خانواده فراهم آوردن عوامل جامعه‌پذیری کودکان و شرایط کسب تعادل روانی و استحکام شخصیت برای بزرگسالان است. این گروه خانگی از شبکه خویشاوندی جدا شده و ازدواج بر اساس انتخاب آزادانه صورت می‌گیرد

پارسونز با تقسیم خانواده هسته‌ای به دو نوع جهت‌یاب و فرزندیاب معتقد است افراد با ازدواج از خانواده جهت‌یاب زن یا شوهر جدا می‌شوند و از لحاظ اقتصادی و پایگاه اجتماعی از آن مستقل می‌شوند و پایگاه اجتماعی خانواده از طریق شغل شوهر مشخص می‌گردد. بنابراین همبستگی خانوادگی در خانواده هسته‌ای جدید، مانند سایر نظام‌های خانوادگی، منوط به ثبات گروه‌های بزرگ خویشاوندی نبوده و تنها همبستگی فرد نسبت به خانواده فرزندیاب به وجود می‌آید. ایجاد و دوام این نوع از همبستگی از نظر پارسونز، رابطه عاشقانه بین زن و شوهر است و همسرگزینی آزاد به دور از دخالت‌های خانواده و بر اساس تمایلات احساسی، شرط ضروری برای این نوع رابطه است.

بنا به نظر پارسونز، وجود عشق رمانتیک به عنوان عامل اصلی ازدواج، باعث ایجاد محیطی صمیمی و سرشار از عشق و علاقه در رابطه زن و شوهر و والدین و فرزندان خواهد شد و این محیط برای اجتماعی کردن صحیح و مناسب کودکان ضروری است و هم‌چنین در شکوفایی و تکامل استعدادها و علائق بزرگسالان نیز نقش مهمی دارد.

از نظر پارسونز جهت‌دستیابی به حداکثر کارکردهای خانواده هسته‌ای، وجود دو تفاوت اساسی در میان اعضای خانواده ضروری است؛ یکی وجود دو قطب مخالف رهبری و زیردستان، و دیگری تقسیم کار بر اساس جنس که با تفکیک نقش‌های ابزاری و نقش‌های ابزاری مشخص می‌شود. نقش ابزاری بیشتر شامل حالات مردانه و نقش بیانگر بیشتر شامل حالات زنانه است. به اعتقاد او این تقسیم نقش باعث حفظ وحدت خانوادگی می‌شود. نقش مردان، تعیین پایگاه اجتماعی خانواده از طریق شغل و حفظ امنیت و آسایش خانواده از طریق درآمد شغلی است؛ و نقش زن ایجاد روابط عاطفی (بیان‌گر) برای اعضای خانواده است که از مشکلات گوناگون اجتماعی رنج می‌برند. بر اساس این نظریه، هرگونه تداخل و تغییر در الگوی نقش‌ها سبب برهم خوردن تعادل زندگی می‌شود. زیرا به ویژه در حالت اشتغال زن، وی حالت بیان‌گر را از دست داده و به رقیب شوهرش تبدیل می‌شود. در نتیجه رقابت زن و شوهر با یکدیگر منجر به ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌شود. به نظر پارسونز ایفای نقش‌های تخصصی مردانه و زنانه، عامل دوام و بقای خرده‌نظام خانواده در چارچوب نظام اجتماعی است. و چنین خانواده‌ای تناسب بسیاری با صنعتی شدن در مقیاس کلان دارد و در واقع جزو اقتضانات کارکردی آن به حساب می‌آید.

در دیدگاه‌های تاریخی به نظرات مک لوهان، رایزمن و تونیس اشاره می‌شود. این نظریه‌پردازان باتوجه به گذر جوامع از دوران مختلف، روابط افراد را در آنها بررسی می‌کنند. مک لوهان معتقد است بعد از ظهور کتابت، سنت شفاهی شروع به ضعف کرد؛ اما در عصر تلویزیون، فرهنگ شفاهی، مشارکت، همکاری و اندیشه جهانی شکل گرفت. مک لوهان معتقد است وسایل ارتباط الکترونیکی، انسان‌ها را وارد مرحله جدیدی از زندگی اجتماعی می‌کنند. این وسایل جدید به انحصار ارتباط چاپی پایان می‌دهند و بیان شفاهی و ادراک سمعی را احیا می‌کنند. اکنون تحت تأثیر وسایل الکترونیکی در راه ایجاد چنین جامعه‌ای طرز زندگی، نظام آموزشی، ادبیات، هنرها و به‌طور کلی همه نظام فرهنگ انسانی دگرگون شده است (ساروخانی، ۱۳۹۴: ۶۷).

رایزمن به سه نوع جامعه اشاره می‌کند و از نظر او در جامعه دگراهربر با رهبری رسانه‌های جمعی مواجهیم که پس از دوره رهبری صنعت و دوران درون‌راهبر (ظهور فردگرایی) دوران سوم، صحنه ظهور انبوه تنها درون شهرهای بزرگ است. او این دوره را دوران امحای روابط سنتی و پابرجای خانوادگی، خویشاوندی می‌داند. زمانی که وسایل ارتباط جمعی، هدایت عواطف، احساسات و الگوهای حیات اجتماعی را به دست دارند. رایزمن، دوران سوم ارتباطی را دورانی می‌داند که در جریان آن، انبوه‌های تنها در درون شهرهای بزرگ پدید می‌آیند. او در اثرش به همین نام «انبوه تنها» انسان‌هایی را مجسم می‌کند که در راهروهای تنگ قطارهای زیرزمینی در دریایی از انسان‌ها غوطه‌ور هستند و راهی برای رفتن نیست و ازدحام، نفس کشیدن را مشکل می‌کند؛ اما با این همه تراکم، انسان تنهاست و هیچ‌گاه در تاریخ چنین تنها نبوده است. هیچ‌یک از این انسان‌ها را نمی‌شناسد، هرگز آنها را ندیده است و به یقین می‌داند هیچ‌یک از آنها را بار دیگر نخواهد دید. او در پی امحای روابط سنتی و پابرجای خانوادگی، خویشاوندی، همسایگی و دوستی‌های پایای قدیم تنهاست و در برابر وسایل ارتباط جمعی و صاحبان قدرتمند آن و همچنین وسوسه‌های ناشی از آن سخت آسیب‌پذیر است. آنها به‌آسانی از او یک طرفدار متعصب فوتبال پدید می‌آورند که در این راه حتی حاضر به کشتن انسان‌های رقیب (هوادارن تیم‌های دیگر) است. پس به اعتقاد رایزمن، این دوران در تاریخ انسان به دورانی ثبت خواهد شد که در آن «دیگرانی چند» (صاحبان وسایل ارتباطی) الگوهای حیات اجتماعی را می‌سازند (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۶۷).

تونیس به دو نوع جامعه اشاره می‌کند که در هر کدام نوع رابطه افراد با یکدیگر متفاوت است. در اجتماع، حرکت در خدمت جمع و برای وحدت جمع است و در خدمت فرد نیست و در این جامعه اراده اورگانیک حاکم است. هر عضوی خود را جزء جدایی‌ناپذیر مجموعه می‌داند. ارتباطات عمقی و سطح جمع محدود و ارتباط بین افراد تام است؛ اما گزلفاشت جامعه‌ای است که در آن فراوانی و تنوع انسان‌ها وجود دارد. روابط صوری، قراردادی و منطقی، مصلحت‌اندیشی و تنهایی انسان جزء ویژگی‌های آن است (همان: ۷۰-۷۵).

دیدگاه کنش متقابل نمادین، ارتباط شفاهی را بنیاد نهاد سنتی می‌داند که در آن به استمرار مشاهدات تأکید می‌کند. به نظر مید [۶] ارتباطات، اساسی‌ترین روندی است که در جوامع انسانی جریان دارد. ارتباط زمانی برقرار می‌شود که شرکت‌کنندگان از نمادهای معنی‌دار استفاده کنند؛ نمادهایی که برای استفاده‌کنندگان معنای یکسانی دارد. اشتراک در معنی یک نماد، شرکت‌کنندگان را به‌سوی رابطه ناب اجتماعی سوق می‌دهد؛ بنابراین، ارتباط، روند ساماندهی تلقی می‌شود. به همان میزان که ارتباط گسترش می‌یابد - در هر جهتی که باشد - ایجاد سازمان‌های بزرگ‌تر و گسترده‌تر را موجب می‌شود. مید با مطرح کردن دیگری عام پذیرفتن این نقش را مقدمه‌ای برای پذیرش منطق آن نهاد با مجموعه نهادهایی می‌داند که او برای راه‌یابی به نحوه رفتار خود در یک موقعیت نهادی خاص از این منطق استفاده می‌کند؛ به این ترتیب عمل او در هر لحظه بر یک عمل بزرگ اجتماعی مبتنی است. دیگری عام درونی ساختن موقعیت‌های اجتماعی در مجموع یا خودی‌ساختن وضعیت‌های اجتماعی خارج از وجدان فرد است که عامل انسانی تشکیل‌دهنده هر شخصیت خودآگاه است. در این دیدگاه، ارتباطات، اساسی‌ترین روند جریان‌یافته در

جوامع انسانی است. از نظر او رسانه‌ها با تنش‌سازی بر رفتار کودکان تأثیر می‌گذارند. درحقیقت مید با مطرح کردن دیگری عام معتقد است رسانه‌ها بر ذهن کودکان ساده و بدون شبکه به هم پیوسته اندیشه‌ها تأثیر می‌گذارند (توسلی، ۱۳۹۱: ۳۰۲).

نظریه شبکه خانواده الیزابت بات: الیزابت بات از دیگر نظریه‌پردازان حوزه خانواده است که به تقسیم نقش زن و شوهر در روابط زناشویی و زندگی خانوادگی در قالب نظریه «شبکه خانواده» توجه می‌کند. بات نظریه خود را در کتاب «خانواده و شبکه‌ی اجتماعی»، با ترکیب دو مفهوم اساسی، جدایی نقش‌های خانوادگی و اتصال شبکه اجتماعی خانواده، تبیین می‌کند. منظور بات از اتصال شبکه، اندازه‌آشنایی و دیدار میان اشخاصی است که اعضای خانواده با آن‌ها به صورت مستقل آشنا هستند. شبکه متراکم یا متصل برای توصیف شبکه‌ای به کار می‌رود که در آن میان واحدهای تشکیل‌دهنده، روابط بسیاری وجود دارد و عبارت شبکه پراکنده برای توضیح شبکه‌ای که روابط کمی میان واحدهای تشکیل‌دهنده وجود دارد استفاده می‌شود. بات بر اساس بررسی‌های خود به این نتیجه رسید که خانواده‌هایی که میزان بالایی از جدایی و تفکیک روابط نقش‌ی زن و شوهر را داشتند، به یک شبکه متراکم روابط متصل بودند و بسیاری از دوستان، همسایگان و خویشاوندان یکدیگر را می‌شناختند و در مقابل در خانواده‌هایی که روابط نقش‌ی نسبتاً مشترکی میان زن و شوهر وجود داشت، شبکه روابط پراکنده‌ای داشتند و تعداد کمی از خویشاوندان، همسایگان و دوستان آن‌ها یکدیگر را می‌شناختند. بر اساس این بررسی‌ها، فرضیه اصلی بات این بود که میزان جدایی نقش‌های خانوادگی با میزان اتصال کل شبکه خانواده ارتباط مستقیم دارد و شبکه‌های متراکم به میزان بیشتری جدایی نقش‌های زن و شوهر را دارند. در نتیجه خانواده‌هایی که شبکه متراکم دارند، تقسیم نقش در آن‌ها تفکیکی و جنسیتی و خانواده‌هایی که شبکه پراکنده دارند، تقسیم نقش در آن‌ها اشتراکی است.

وی معتقد بود که «تقسیم سنتی» نقش الزاماً در همه جا و در میان تمام خانواده‌ها وجود ندارد. او روابط این گروه از خانواده‌ها را «مناسبات تفکیکی نقش‌های زناشویی» می‌نامد و روابط گروه دیگری از خانواده‌ها که شامل روابط و فعالیت‌هایی است که زن و شوهر با یکدیگر به صورت مشترک انجام می‌دهند «مناسبات مربوط به نقش‌های مشترک» می‌نامد.

«مناسبات تفکیکی نقش‌های زناشویی» روابطی هستند که در آن زن و شوهر قائل به تفاوت واضحی در وظایف خود هستند و آن‌ها را جدا و میان خود تقسیم کرده و علایق و فعالیت‌های جداگانه دارند. او سپس این فرض را مطرح می‌کند که درجه جدایی نقش‌های زن و شوهر مستقیماً با تبعیت از اندازه متصل بودن شبکه اجتماعی خانواده تفاوت می‌کند. در صورتی که زن و شوهر هریک به شبکه متراکم تعلق داشته باشند و پس از ازدواج نیز این شبکه‌ها حفظ گردند، رابطه خانوادگی ناشی از ازدواج آن دو به این شبکه روابط اضافه می‌شود. زیرا هریک از زوج‌ها دوستان و آشنایانی دارند که می‌توانند در خارج از خانواده به آن‌ها کمک کنند. اما اگر شبکه اجتماعی پراکنده باشد، افراد در شبکه یکدیگر را نمی‌شناسند. بنابراین، وفاق اجتماعی و هم‌یاری اعضا به احتمال تنوع و گوناگونی در هنجارهای درون شبکه کمتر خواهد شد. به این ترتیب، زن و شوهری که از کمک و حمایت محیط دوستان خارج از منزل بهره‌مند نمی‌شوند، مجبورند به کمک‌های متقابل به یکدیگر و حتی به قبول نقش‌های سنتی یکدیگر گردن نهند. بات با توجه به روابط اجتماعی خانواده، مشخص کرد که روابط کلیه خانواده‌ها با جامعه، مانند یک «شبکه» است؛ یعنی هر خانواده با تعدادی از افراد در سطح جامعه در تماس است و این نوع تماس شبکه‌ای دو گونه است: «متصل» و «پراکنده». در صورتی که در یک خانواده پس از ازدواج، بین دوستان و آشنایان زن و شوهر معاشرت صورت گیرد، در این حالت شبکه روابط متصل است. اما اگر این معاشرت صورت نگیرد، شبکه روابط پراکنده می‌شود. به این صورت که اگر شبکه روابط اجتماعی پراکنده باشد، تقسیم نقش‌های مدرن و زندگی آن‌ها از نوع مشارکتی خواهد بود.

نظریه دگرگونی ارزشی اینگلههارت:

مهم ترین تلاش در جهت ارائه یک نظریه منسجم تغییر ارزش ها مربوط به رونالد اینگلهارت است او در دهه گذشته نظریه ای درباره تغییر ارزشی پیشنهاد کرده که بر اساس آن به تغییر ارزش ها در مراحل مختلف مدرنیزاسیون معتقد است که صنعتی شدن باعث تغییر ارزش های سنتی به ارزش های سکولار-عقلانی می شود .

مطالعه عناصر نوظهور در حوزه خانواده در جامعه ایرانی که همواره خانواده مداری جزء لاینفک آن بوده، ضروری است. از طرف دیگر هریک از گونه های ارزش های خانوادگی نیاز به زیرساخت خاص خود دارد و عدم وجود زیرساخت مناسب، آسیب هایی را به دنبال خواهد داشت. مضاف بر آن ارزش های نوظهور عمدتاً در نسل جوان گزارش می شود و با توجه به حجم بالای جمعیت جوان و قدرت ایشان به عنوان کارگزار فرهنگی، ضرورت چنین مطالعاتی دوچندان می شود.

در بررسی ارزشهای اجتماعی، فرهنگی اینگلهارت نظریه ای در باب تغییر ارزشی مطرح کرده که بر اساس آن، در جوامع صنعتی رسیدن با رسیدن به سطح فزاینده های از احساس امنیت، اولویت های ارزشی از توجهات مادی گرایانه درباره اقتصاد، تأکید بیشتر بر آزادی، خوداظهاری و کیفیت زندگی در جوامع فراصنعتی تغییر جهت می یابد. او می نویسد: "در ابتدا توجه ما معطوف به گذار از ارزش های مادی به فرامادی بود... لیکن با ظهور الگوهای متفاوت رفتار سیاسی و اقتصادی مشخص گردید که این تنها یک جنبه از نشانگان گسترده دگرگونی فرهنگی از جمله زوال گرایش های مذهبی سنتی و هنجارهای اجتماعی و جنسی متعارف است" (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

اینگلهارت زیربنای تغییرات ارزشی را توسعه اقتصادی و رسیدن افراد به سطح فزاینده های از امنیت شامل امنیت فعلی فرد (امنیت اقتصادی) و هم چنین امنیتی است که فرد در طول سالهای شکل گیری شخصیت خود (امنیت سازنده) تجربه کرده است. او نشان می دهد "توسعه اقتصادی و فناوری، ارضای نیازهای طبیعی نسبت وسیع تری از جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، تجارب متفاوت گروه های سنی مثل فقدان جنگ، گسترش ارتباطات جمعی و افزایش تحرک جغرافیایی، تغییرات ارزشی "رادر پی خواهد داشت (همان: ۱۳۷۳) .

از طرفی اینگلهارت تغییر ارزشی را خطی و جهانی نمی داند، او می نویسد هانتینگتون، پوتنام و کویاما عنوان می کنند که سنت های فرهنگی به طور قابل ملاحظه ای پایدار بوده و رفتار اقتصادی سیاسی امروزه جوامع را شکل می دهند و تئورسین نوسازی از مارکس و وبر تا بل و تافلر نشان داده اند که ظهور جامعه صنعتی با تغییر فرهنگی یکسان در نظام ارزش های سنتی مرتبط است . و ما بر این اعتقادیم که اگرچه ممکن است عجیب به نظر برسد اما هر دو ادعا صحیح است. اگرچه توسعه اقتصادی به ایجاد تغییرات سیستماتیک در عقاید و خواسته های مردم گرایش دارد، اما اثر سنت های فرهنگی محو نخواهد شد. نظام های عقیدتی به طور قابل ملاحظه ای پایدار و انعطاف پذیر هستند و اگرچه ارزش ها می توانند تغییر کنند چنان به انعکاس میراث تاریخی جامعه ادامه می دهند (اینگلهارت، ۱۳۸۹)

او می نویسد: اگرچه ارزش های مساوات طلبانه و آزادی خواهانه در میان جوانان، تحصیل کرده ها و غیرمذهبی ترهامشهود است، تفاوت شدید و معناداری در همه ارزش های اجتماعی در میان مردمی که در جوامع غربی زندگی می کنند و آنان که در جوامع اسلامی زندگی می کنند وجود دارد (اینگلهارت، ۱۳۸۷) در حالی که همه کشورهای غربی به شدت از برابری زنان حمایت می کنند و نسبت و به هم جنس گرایی با تساهل برخورد می کنند، بسیاری از کشورهای الگوی درهم آمیخته ای دارند و فرهنگ اسلامی شامل مصر، بنگلادش، اردن، ایران و آذربایجان همگی سنتی ترین نگرش های اسلامی را به نمایش می گذارند (اینگلهارت، ۱۳۸۹ و ۱۳۸۷)

اینگلهارت معتقد است در جوامع ثروتمند فراصنعتی نسل جوان بسیار بیش از نسل گذشته بر ارزش های ابراز وجود تأکید دارند، در مقابل، در جوامع کم درآمد که در طول پنج دهه گذشته رشد اقتصادی بنیادی را تجربه نکرده اند تمایز بین نسلی چندانی وجود ندارد. در عین حال او معتقد است: اگرچه ارزش های مردم کشورهای بالا به سرعت در حال تغییر

هستند، اما ارزش‌های جوامع کم درآمد یا اصلاً تغییر نمی‌کنند یا بسیار آهسته در حال تغییر هستند بنابراین وجود تفاوت‌های ارزشی بین جوامعی که امنیت وجودی فزاینده‌ای در دهه‌های گذشته تجربه نکرده‌اند مورد انتظار نیست و فرض ما این است که ظهور و گسترش ارزش‌های ابراز وجود در چنین جوامعی، ناشی از اقتصادهای ناموفق و کشورهای دارای تجربه رکود اقتصادی و فرهنگی می‌باشد.

بنابراین اینگلهارت معتقد است در حال حرکت به سوی فرهنگ جهانی واحد و همسان نیستیم و ارزش‌های نوظهور در جوامع مختلف می‌تواند تعیین‌کننده‌های متفاوت داشته باشد. آکسین و تورنتن نشان دادند آرایش‌های غیرسنتی، زندگی مشترک غیررسمی و هم‌چنین پذیرش رابطه جنسی پیش از ازدواج نزد جوانان و نوجوانان مقبولیت یافته و بیش از پیش مجاز شده است. آنها رشد این انتخاب‌ها را طیفی از نااطمینانی نسبت به روابط پایدار در زندگی زناشویی می‌دانند.

اشکال جدید ارتباطی در حوزه عمومی

در سالهای اخیر در فضای مجازی مفاهیم تولید رسانه‌ای و توزیع رسانه‌ای دچار تغییراتی شده‌اند که متفاوت با مدل رسانه‌های سنتی است. این روزها دستگاه‌های رایانه خطوط اینترنت پرسرعت و نرم‌افزارهای رایانه‌ای متنوع، دوربینهای دیجیتال، شخصی در دسترس تعداد زیادی از کاربران اینترنتی قرار گرفته، با قیمت پایین و فراگیری بالا است. به این ترتیب هر کاربر اینترنتی به راحتی و در مدت زمان چند دقیقه می‌تواند وبلاگ شخصی ایجاد کند و یا در انواع دیگر سایتها عضو شود و محتوایی که تولید کرده اعم از متن، صدا و ویدئو را به راحتی منتشر کند. پس تولید رسانه‌ای در فرایندی متفاوت با رسانه‌های سنتی صورت می‌پذیرد و کاربران اینترنتی خود تولیدکننده محتوا در عرصه اینترنت محسوب می‌شوند. از دیدگاه مایفیلد رسانه‌های اجتماعی گروهی از انواع جدید رسانه‌های آنلاین هستند که همه یا تعدادی از ویژگیهای زیر را دارند: (مایفیلد، ۲۰۰۸) امکان مشارکت کردن: رسانه‌های اجتماعی ارسال بازخورد از سوی مخاطب و همکاری با همگامی با رسانه را تسهیل کرده‌اند و آن را تشویق می‌کنند. این رسانه‌ها مرز و خط‌کشی بین رسانه و مخاطب را از بین برده‌اند.

باز بودن: اغلب رسانه‌های اجتماعی برای مشارکت اعضا و دریافت بازخورد باز هستند آن‌ها رای دادن، کامنت گذاشتن و به اشتراک گذاری اطلاعات را تشویق، به ندرت مانعی برای تولید و دسترسی به محتوا در این رسانه‌ها وجود دارد. ارتباط دو سویه: رسانه‌های سنتی عمل انتشار را انجام می‌دادند و محتوا را برای مخاطب ارسال می‌کردند، ولی در رسانه‌های دوطرف وجود دارد و جریان ارتباطی از حالت یک سویه به دوسویه تغییر پیدا کرده است.

شکل‌گیری جماعت‌های آنلاین: رسانه‌های اجتماعی این امکان را برقرار می‌کنند که جماعت‌ها و گروه‌ها به سرعت شکل بگیرند و ارتباط مؤثری برقرار کنند. این جماعت‌های آنلاین می‌توانند پیرامون علایق مشترکی مانند عکاسی یک تیم ورزشی یا یک برنامه تلویزیونی شکل گرفته باشند.

توانایی برقراری ارتباط: اغلب شبکه‌های اجتماعی همیشه در حال گسترش اتصالات و ارتباطات شان هستند و با سایت‌ها، منابع و افراد دیگر پیوند برقرار میکنند. رسانه‌های مشارکتی شامل وبلاگ‌ها، ویکی‌ها، سرویس آر.اس.اس، سرویس‌های تسهیم فیلم، عکس و موزیک، پادکست، داستان‌گویی‌های دیجیتال، اجتماعات مجازی، سرویس شبکه‌های اجتماعی، محیط‌های مجازی و ویدئو بلاگها می‌باشند اما به همین موارد محدود نمی‌شوند. این رسانه‌ها با سه ویژگی مشترک و بهم پیوسته مشخص و متمایز میشوند: (رینگولد، ۲۰۰۸: ۱۰۰).

امروزه رسانه‌های چند به چند، برای هر فرد متصل به شبکه این امور را ممکن ساخته‌اند که همانگونه که متن، تصاویر، نوارهای صوتی، نوارهای تصویری، نرم‌افزار، داده، مباحثه، لینک و... را از اشخاص دیگری دریافت می‌کنند، برای آنها این

موارد را ارسال هم نمایند. عدم تقارن بین پخش کننده جمعی و مخاطب که توسط ساختار پیش دیجیتال تعریف می شد اساساً تغییر کرده است. این ویژگی تکنیکی - ساختاری است.

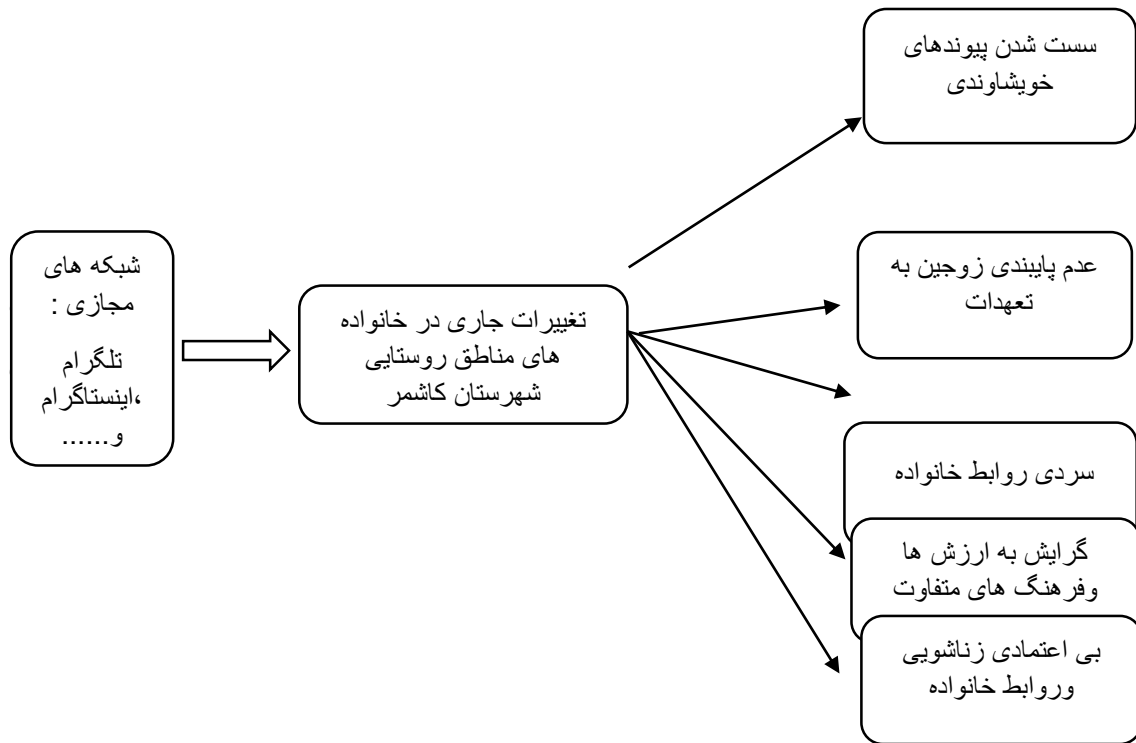
رسانه های مشارکتی، رسانه هایی اجتماعی هستند که ارزش و قدرت شان از مشارکت فعال عده زیادی از مردم منتج می شود. این ارزش نه تنها بخاطر حجم مخاطب، بلکه بخاطر قدرت مشارکت کنندگان در مرتبط شدن با یکدیگر و شکل دادن به یک عامه یا بازار است. این ویژگی روانشناختی و اجتماعی است. شبکه های اجتماعی، وقتی با اطلاعات و ارتباطات شبکه ها تقویت می شوند، هماهنگی کنشها و فعالیتها را در مقیاسی وسیع تر و با هزینه کمتر تسریع می نمایند. این ویژگی سیاسی اقتصادی است.

. گفتگوهای اینترنتی به نظر رینگولد ویژگی متفاوت از رسانه های نوشتاری دارند. اولین ویژگی اینترنت آن است که گفتگوها و مباحثات در حالتی کاملاً تساوی طلبانه صورت می گیرند و طرفهای درگیر در گفتگواز هژمونی خاص خود برای تخطئه دیگری استفاده نمی کنند. افراد در این مباحثات حضور فیزیکی ندارند و آنچه اهمیت دارد "صدا" و اندیشه، آنهاست (رینگولد، ۱۹۹۳: ۱۲).

تهدیدات و فرصت های استفاده از شبکه های اجتماعی

شبکه های اجتماعی مجازی همواره دارای فرصتها و تهدیدات متفاوتی است؛ هم موجب کسب حمایتهای اجتماعی در خانواده؛ و همچنین موجب کاهش تعاملات درون خانواده شده است. آنچه به عنوان یک واقعیت اجتماعی میتوان بر آن صحنه گذاشت، حضور چشمگیر افراد جامعه و فعالیت قابل توجه آنان در شبکههای اجتماعی مجازی است. مسئله بررسی و تحلیل شبکههای اجتماعی مجازی برای رشتههای گوناگون علمی از جمله مدیریت، روانشناسی، علوم ارتباطات، مردمشناسی، علوم سیاسی، مطالعات بازرگانی و... اهمیت ویژهی پیدا کرده است. آمار دقیقی از تعداد افراد فعال در شبکه های اجتماعی مجازی در دسترس نیست. آمارهای رسمی در دنیا تأیید میکند در حال حاضر از هر شش نفر در سراسر دنیا یک نفر عضو شبکه های اجتماعی است. بنابر اخبار، ایرانیان استقبال گستردهای به دلیل برخی محدودیتهای قانونی، عرفی، ارزشی در زمینه ارتباط از این فضا کرده اند. شایان توجه است که ایرانیان یکی از فعالترین گروهها در شبکه های اجتماعی شناسایی شده اند و زبان فارسی رتبههای بین چهار تا هفت را در میان محبوبترین زبانها در وبلاگ به خود اختصاص داده است (نمکدوست، ۲۷۳۲: ۱۲). شواهد حاکی است به دلیل آسانی که در زمینه دسترسی به این فضا وجود دارد، دامنه سنی کاربران در حال افزایش از هر نظر است؛ به این معنی که دیگر نمیتوان هیچ رده سنی خاصی را برای کاربران تعریف کرد و با توجه به ورود گسترده فناوریهای نوین و واردات انواع تلفنهای همراه هوشمند، رایانه همراه و افزایش تولید این ابزارها در داخل این روند رو به افزایش است. باید گفت از طرفی ورود انواع مختلف این دست فناوریها، که فرد را خواسته یا ناخواسته در برابر انبوهی از اطلاعات گوناگون قرار میدهد، سبب بهوجود آمدن برخی از مسائل اجتماعی شده است. قبلتر، حقوقدانان و پژوهشگران بریتانیایی اعالم کردند منشأ یک سوم تا یک پنجم درخواستهای طالق در کشورهاشان در استفاده خانوادهها از شبکه های اجتماعی ریشه داشته است (حسنی، ۲۷۳۴: ۲). از آنجا که این موج گسترده امروزه مقداری کاهش پیدا کرده است به نظر میرسد نوع استفاده خانواده های ایرانی از این دست فناوریها به بسترسازی مناسب، همراه با دانش و آگاهی نیاز دارد. همچنین تحقیقات نشان میدهد این پدیده در بسیاری از موارد موجب افزایش همبستگیهای اجتماعی و تقویت پیوندهای قومی و گروهی بوده است ولی عدم اجماع نظر نخبگان در مسئله مورد نظر، حاکی از ناکافی بودن پژوهشها است که تحقیقات و پژوهشهای بیشتری در این حوزه ضروری به نظر میرسد.

شکل ۲. مدل مفهومی رابطه بین گرایش به شبکه های اجتماعی مجازی و ارتباطات خانواده



روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش طرح تحقیق آمیخته اکتشافی (کیفی-کمی) و در دو مرحله انجام شده است .

مرحله اول: این مرحله از پژوهش به شیوه کیفی و با استفاده از روش نظریه برخواسته از داده ها (نظریه مبنایی)، درک بهتری از پدیده مورد بررسی (شبکه های اجتماعی و دوام ارتباطات خانواده در مناطق روستایی کاشمر) به دست آمد. در این تحقیق سعی شد تا با حساسیت نظری و ذهنی گشوده به سراغ کارشناسان رفته و پیش فرض های خود را به حالت تعلیق گذاشته سعی در فهم محتویات کلامی دیگران داشته ام. به طور خلاصه، جمع اوری داده ها، یادداشت برداری، کدگذاری و به یاد سپاری یادداشت ها از آغاز کار صورت پذیرفت. دسته بندی زمانی رخ داد که تمام مقوله ها اشباع شده و نوشتن مطالب بعد از دسته بندی امکان پذیر شد.

جامعه آماری این پژوهش کارشناسان در شبکه های مجازی و روان شناسی خانواده و با توجه به درک و مواجهه با شبکه های مجازی و ارتباطات خانواده انتخاب شدند. مصاحبه با افراد جامعه مورد پژوهش تا آنجا ادامه یافت که داده ها دچار اشباع شدند (هدف نمونه گیری کیفی).

مرحله دوم: در این مرحله از پژوهش به شیوه کمی و با استفاده از چارچوب نظری پدیده مورد نظر برای سنجش از ۵۰ گویه در مقیاس رتبه ای لیکرت استفاده و در نهایت تجزیه و تحلیل شد. پرسشنامه ها که در ۴۰ پرسشنامه دریافتی اولیه میزان پایایی

گویه ها توسط آزمون آلفای کرونباخ ۰.۸۲۷ برآورد شد که نشان از مناسب بودن ابزار پرسشنامه داشت. ادر نهایت ۳۸۶ پرسشنامه بدون اشکال در اختیار محقق قرار گرفت. و برای تجزیه تحلیل پاسخها از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

یافته های کیفی

مصاحبه شوندگان این تحقیق ۲۰ نفر از متخصصان و کارشناسان حوزه شبکه های اجتماعی و مشاوره خانواده می باشند. در انتخاب پاسخگویان سعی شده است تا نمونه انتخابی تمام ویژگیهای مربوط به سوالات اساسی این تحقیق را داشته باشند؛ لذا ۹ نفر از پاسخگویان زن و ۱۱ نفر را مردان تشکیل دادند. ۹ نفر از پاسخگویان تحصیلات کارشناسی ۶ نفر از پاسخگویان کارشناسی ارشد و ۵ نفر تحصیلات دکتری داشتند.

جدول شماره ۱. برای ارائه یافته های تحقیق ابتدا جداول کدگذاری باز، کدگذاری محوری و گزینشی مربوط به داده های به دست آمده از پاسخ مصاحبه شوندگان ارائه شده است.

ردیف	عبارت های مهم (کدهای واقعی)	کدهای باز	کدهای محوری
۱	<ul style="list-style-type: none"> • کم شدن صحبت های خانوادگی • کم شدن صمیمیت ها نسبت به دوران قدیم • صمیمیت واقعی بین افراد خانواده کم شده است 	صمیمیت	
۲	<ul style="list-style-type: none"> • در گذشته همه دور هم جمع می شدند ولی الان از هم دور هستند و فرزندان بیشتر در اتاق هایشان به سر می برند. 	فردگرایی	
۳	<ul style="list-style-type: none"> • درک احساسی و عاطفی اعضای خانواده از همدیگر کم شده است 		خلاء عاطفی
۴	<ul style="list-style-type: none"> • فاصله های عاطفی بین اعضای خانواده و همچنین جامعه بسیار زیاد شده است . • خیلی از احساسات از حالت واقعی به مصنوعی تبدیل شده است . • بین فرزندان و والدین نوعی طلاق عاطفی رخ داده است . • باعث ایجاد فاصله های عاطفی بین اعضای خانواده و حتی جامعه شده است . 	دوری عاطفی	

	خود‌گزیزی	<ul style="list-style-type: none"> • آدم‌ها از خودشان فرار می‌کنند و دنبال خودی هستند که به ازای بیرونی ندارد. • افراد دیگر خودشان را نمی‌شناسند و به مثابه نقطه‌ای در انبوهی از اطلاعات هستند. اعضای خانواده به سمت تجمل‌خواهی و قهرمان‌اندیشی روی آورده‌اند و واقعا نمی‌دانند چه می‌خواهند. 	۵
دوری از خود، خانواده	خانواده‌گزیزی	<ul style="list-style-type: none"> • رفته‌رفته افراد خانواده از هم دورتر می‌شوند و برای همدیگر غریبه‌تر می‌شوند. 	۶
	خویشاوند‌گزیزی	<ul style="list-style-type: none"> • دورهمی‌های فامیلی کم‌شده و به احوال‌پرسی در فضای مجازی بسنده می‌کنند. 	۷
تغییر نقش والدین	رابطه والدین و فرزندان	<ul style="list-style-type: none"> • روابط پدر و مادرها با فرزندان تغییر کرده و تضعیف شده است. • رابطه والدین با فرزندان به شدت کاهش یافته است. • والدین جوان وقت کمتری برای فرزندان خود دارند. • باعث تغییر در رفتار و برخورد نامناسب فرزندان نسبت به والدین شده است. 	۸
	والدین به عنوان مرجع	<ul style="list-style-type: none"> • در گذشته فرزندان اگر سوالی داشتند از بزرگترها می‌پرسیدند، ولی الان جواب خود را در اینترنت جستجو می‌کنند. 	۹
	روابط	<ul style="list-style-type: none"> • روابط تغییر کرده و حدود مرز برای داشتن روابط سالم از بین رفته است • دسترسی به افراد آسان‌تر شده است 	۱۰

۱۱	ارتباط های فامیلی خیلی کم شده است و همه رابطه ها خشک و بی روح شده و شکل ان تغییر کرده است.	تغییر ارتباط های فامیلی
۱۲	به دلیل تغییر سبک زندگی یک نوع ارتباط به ارتباط های افراد اضافه شده است.	افزایش روشهای ارتباطی
۱۳	اکثر افراد وقت خود را با دوستان و فامیل مجازی می گذرانند تا واقعی	فامیل مجازی
	ارتباط افراد راحت کرده و آن هارا به هم نزدیک کرده است.	
۱۴	• باعث نزدیکی افراد در فضای مجازی شده است و لحظه های خود را به اشتراک می گذارند.	نزدیکی مجازی
۱۵	استفاده دائم از این رسانه های ارتباطی باعث شده یک یار و دوست جدید برای افراد ایجاد شود و بیشتر وقت خود را با این دوست خیالی بگذرانند تا با خانواده و دوستان واقعی .	دنیای مجازی
	ارتباطات اجتماعی کمرنگ شده است و ارتباطات مجازی گسترش یافته است .	هویت مجازی
	اعضای خانواده بجای روابط گرم و صمیمانه به دوستان مجازی خود بیشتر بها می دهند.	
	هرکس با دنیای جدید و مجازی خود درگیر است.	تجربه مجازی
۱۶	غم ها، شادی ها و احساسات و افکار بجای اینکه در خانواده طلوع کند، در فضای مجازی و رسانه ها هدر می رود.	
۱۷	• قداست و حرمت رابطه ها، مخصوصا بین اعضای خانواده از بین رفته است .	قداست
۱۸	برروی خلیات و معنویات و مذهب و شئون انسانی تاثیر گذاشته است.	معنویت
	به دلیل سرعت انتقال فرهنگ ها، ارزش های سنتی و معنویت به شدت کاهش یافته است .	نقش زدایی
۱۹	آگاهی افزایش یافته است ولی باعث شده است که افراد از سنت ها، مذهب و رسوم خود دور شوند.	سنت و مذهب
۲۰	باورها و ارزش های مردم را از بین برده است.	

	ارزش‌ها	رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی، ارزش‌هایی که پایه خانواده‌ها بوده‌اند را تغییر داده‌اند.	
۲۱	کمیت‌گرایی	باعث شده مردم کیفیت را فراموش کنند و کمیت را ببینند. مثلاً الان همه از رابطه و گوشی و... چتتا می‌خواهند.	
۲۲	ظاهرگرایی	آدم‌هایی که از خودشان هویتی ندارند و شخصیتی وابسته دارند، تقلید می‌کنند از فیلم‌ها و افرادی که در شبکه‌های مجازی می‌بینند.	
۲۳	مقایسه	افراد مدام خودشان را در معرض مقایسه قرار می‌دهند و از لباس پوشیدن و حرف زدن و دکوراسیون منزل را کپی برداری می‌کنند.	
۲۴	آموزش	گاهی اثرات مثبت بروی فرد دارد و می‌تواند آموزش‌های آشپزی و دکوراسیون نیز بگیرد، پس به شخصیت افراد بستگی دارد. به لحاظ آموزش و یادگیری خیلی بهتر شده است.	
۲۵	استفاده بهینه	باعث استفاده بیشتر از زمان و توانمندی‌ها می‌شود. ما را به اقیانوسی از اطلاعات وصل می‌کند. امکان استفاده از داده‌های گوناگون را برای ما فراهم کرده است.	
۲۶	سرگرمی	باعث سرگرمی افراد سالمند و همچنین معلول شده است.	
۲۷	افزایش آگاهی	سطح آگاهی را بالا برده و سرعت انتقال اطلاعات را افزایش داده است.	
۲۸	کاهش هزینه	باعث شده است که هزینه‌های ارتباط کاهش پیدا کند.	
۲۹	دسترسی	دسترسی به افراد و اطلاعات آسان شده است. حتی اعضای خانواده و دوستان در دورترین نقاط می‌توان ارتباط برقرار کرد. محدودیت‌های زمانی و مکانی برای ارتباط از بین برده است.	
۳۰	تمرکززدایی	افراد در جامعه و در خانواده تمرکز خود را بروی امور زندگی از دست داده‌اند، چرا که تمرکزشان بروی فضای مجازی است.	
۳۱	گم‌گشتگی	انگار هرکسی کمبود یا گم‌گشته‌ایی دارد و در فضای اطلاعات دنبال آن می‌گردد.	
۳۲	عدم آرامش	به دلیل این که سرعت تغییرات از سرعت فکری افراد بیشتر است و این عدم تعادل مردم را دچار از خودباختگی کرده است.	
۳۳	سردرگمی	بیچاره بچه‌ها، تلویزیون‌ها یک چیز می‌گویند، پدر و مادر به چیز می‌گویند، و اتساپو فیسبوک به چیز می‌گویند، سردرگمی در انتخاب‌ها و رفتار آن‌ها موج می‌زند.	
۳۴	چند زندگی	اعضای خانواده دارای چند زندگی شده‌اند، مجازی، واقعی	

۳۵	از دست دادن زمان، برای خود، خانواده و اجتماع	زمان	
۳۶	افراد خانواده، تنهایی را به جمع بودن ترجیح می دهند	تنهایی	
۳۷	منزوی شدن خانواده، حتی در کوچک ترین فضای فیزیکی	انزوا	
۳۸	افراد خانواده وقت کمتری برای هم می گذارند و کم کم برای هم غریبه شده اند	غریبه گی	
۳۹	بیشترین تاثیر بروی مبانی فرهنگی است که جامعه در طول زمان به زحمت روی آن کار کرده است . بروی آداب، فرهنگ و سنن قدیمی ما خیلی تاثیر گذاشته اند.	فرهنگ	تغییرات بافت و فرهنگ
۴۰	باعث شناخت بیشتر فرهنگ ها و آداب دیگر مرزها شده است	شناخت فرهنگ	
۴۱	اعضای خانواده و حتی جامعه وابستگی های دیرینه به اصولی که در طی سالیان به دست آورده بودند را از دست داده اند.	زمینه زدایی	
۴۲	نوجوانان به اطلاعاتی که مقتضی سن آن ها نیست دست پیدامی کنند.	بلوغ فکری زودرس	
۴۳	دور شدن از مثبت اندیشی و رفتن به سمت رویاهای کاذب، انگار که همه چیز بد است و فریبکارانه است مگر خلاف آن ثابت شود.	بدبینی	
۴۴	نظام تبلیغاتی باعث شده است که افراد به سمت اختلال هایی مانند فشیتم روی آورند.	فشیتم	تغییرات روانشناختی
۴۵	افراد در عین ارتباط با افراد متفاوت دچار نوعی افسردگی هستند چرا که آن چه با آن دست و پنجه نرم می کنند، به آن ها اون حس صمیمیت واقعی رونمی ده.	افسردگی	
۴۶	افزایش ارتباطات سطحی و آسان جوانان را راغب به زندگی مجردی و دوری از ازدواج کرده است.	عدم ازدواج	
۴۷	ازدواج ها به دلیل ترویج مواردی که با فرهنگ ما همخوان نیست در معرض خطر جدی قرار دارد، الان دو نفر که می خواهند ازدواج کنند بیشتر از این که به خودشان توجه کنند به موارد جانبی توجه دارند.	ازدواج های در معرض خطر	تغییرات ازدواج

۴۸	الان نحوه آشنایی برای ازدواج کلا فرق کرده واز محیط واقعی وفامیل ودوستان به آشنایی های فردی ومجازی تبدیل شده است وفرد با توجه به خواسته های درونی خود انتخاب می کند.	شناخت در ازدواج
۴۹	خانواده ها کوچک شده اند وروابط فامیلی وخانوادگی خیلی کم شده است .	کوچک شدن خانواده ها
۵۰	از هم گسیختگی کانون خانواده وانحراف خانواده	کانون خانواده
۵۱	شاید بتوان گفت که بیشتر به سود نهادهای کار واداری بوده است وبدتر برای خانواده ها وشکل کلی وروابط آن ها را تغییر داده است.	فرم خانواده
۵۲	شکاف بین والدین وفرزندان را به دلیل متفاوت بودن دنیایی که در آن هستند باعث شده .	شکاف نسل ها
۵۳	توازن قدرت در خانواده ازبین رفته است وجایگاه های افراد ازبین رفته است .	به هم خوردن توازن قدرت
۵۴	افراد سالخورده به دلیل دوری از این نوع وسابل و رسانه ،نقش تصمیم گیری خود را از دست داده اند و بیشتر جوانان به پشتیبانی استفاده از سیل اطلاعات،در مرجع تصمیم گیری قرار گرفته اند.	تغییر مرجع تصمیم گیری در خانواده
۵۵	رسانه ها تاثیر غیر قابل انکاری در قدرت تصمیم گیری افراد دارد،در منطقی وغیر منطقی عمل کردن آن ها،	تصمیم گیری
۵۶	احترام وسلسله مراتب در رابطه بین والدین وفرزندان کم شده است .	احترام متقابل
۵۷	اعضای خانواده واجتماع نسبت به هم بی اعتماد شده اند ودورویی رواج پیدا کرده است .	اعتماد متقابل
۵۸	ایجاد خود محوری وخودمختاری کرده آن هم براساس پوچی هایی که در رسانه ها می بینند.	خود محوری
۵۹	حریم خصوصی افراد ازبین رفته است وسرک کشیدن در زندگی یک چیز عادی شده است	حریم خصوصی
۶۰	تکنولوژی همیشه یک چیزی می دهد ویک چیزی می گیرد سهولت در کارها را به ما می دهد ولی خلاقیت وعاطفه را از ما می گیرد .	کاهش خلاقیت

۶۱	هر فرد در انزوای خود با سیل عظیمی از اطلاعات در ارتباط است . درست است که خانواده ها از هم بیشتر خبر دارند. ولی سطح ارتباط فیزیکی آن ها خیلی کم شده است .	اثرات مدرنیته	نزدیکی در عین دوری
۶۲	کاهش بازی های تحرکی برای کودکان ونوجوانان وافزایش سکون وایستایی.		کاهش تحرک
۶۳	افراد از لحاظ ذهنی بزرگ شده اند چرا که سیل عظیم اطلاعات را هر روز دریافت می کنند، ولی این ذهنیت ها به عمل تبدیل نمی شود و شده ایم مصرف گرای صرف آنچه که تولید می شود، آن هم بدون سازگاری وتحلیل		مصرف گرای اطلاعاتی

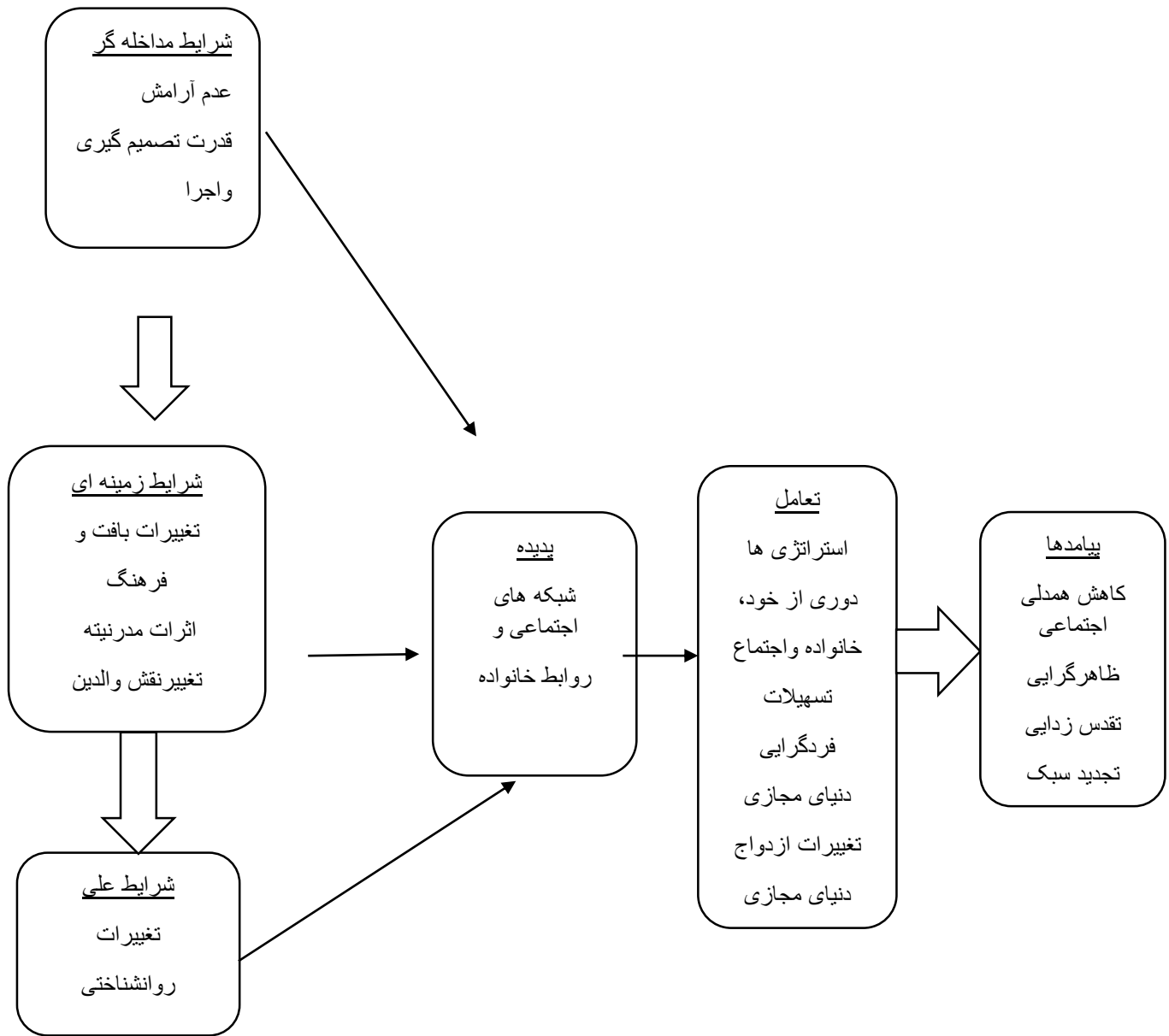
در مرحله بعد کدگذاری هسته انجام شد:

ادامه جدول ۱. مقوله‌های عمده و مقوله هسته‌ای مربوط به نقش و تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر روابط خانواده

ردیف	ردیف	مقوله هسته‌ای
۱	دوری از خود، خانواده و اجتماع	
۲	خلاء عاطفی و معنوی	
۳	تغییر نقش والدین	
۴	تجدید سبک رابطه‌ها	
۵	دنیای مجازی	
۶	تقدس زدایی	
۷	ظاهر گرایی	
۸	تسهیلات	ارتباطات خانوادگی
۹	عدم آرامش	
۱۰	فردگرایی	
۱۱	تغییرات بافت و فرهنگ	
۱۲	تغییرات روان شناختی	
۱۳	تغییرات ازدواج	
۱۴	تغییرات زیر بنایی خانواده‌ها	
۱۵	قدرت تصمیم‌گیری و اجرا	
۱۶	کاهش همدلی اجتماعی	
۱۷	اثرات مدرنیته	

مقوله ارتباطات خانوادگی به عنوان مقوله هسته‌ای انتخاب شد. این مقوله می‌تواند حداکثر فضای مفهومی مقوله‌های فوق را اشباع نموده و در خود جای دهد. براساس این مقوله آن چیزی که مشخص است این است که خانواده به مرور زمان و بر اثر فراگردهایی، به مرور زمان دچار پوست اندازی شده است.

شکل ۲. مدل زمینه ای درک تغییرات روابط خانواده در اثر استفاده از شبکه های اجتماعی با توجه به سه عامل شرایطی، تعاملی، پیامدی



مقوله های عمده پژوهش شامل عبارتهای زیر است :

دوری از خود، خانواده و اجتماع: این مقوله شامل خود گریزی، خانواده گریزی، خویشاوندگریزی می شود که در واقع نشان دهنده دوری از انواع رابطه ها است و گزیدن خلوت و تنهایی با رسانه ها و شبکه های مجازی: "با بروز شدن شبکه های اجتماعی

وحضور افراد مجازی در زندگی شخصی فرد، رفته رفته افراد از هم دورتر می‌شوند. حتی اعضای خانواده در بعضی از مواقع به دور از چشم خانواده در فضای مجازی پنهان کاری می‌کنند تا حدی که رابطه والدین با فرزندان و رابطه زوجین دچار مشکل احساسی و عاطفی جدی شده است."

خلاء عاطفی و معنوی: مقوله خلاء عاطفی و معنوی شامل مفاهیم صمیمیت، فرد گرایی، درک و همدلی و دوری عاطفی است؛ که نشان دهنده این است افراد چه در جامعه و چه در خانواده احساس تعلق و عاطفه کمتری را تجربه می‌کنند: "بیشتر خانواده‌ها و زوجین جوان می‌گویند: در منزل فقط در هنگام غذا خوردن ان هم در چند دقیقه محدود افراد خانواده با هم گفتگو می‌کنند و بعد از آن همه به اتاق هایشان می‌روند و درگیر موبایل هایشان می‌شوند" در گذشته همه دور هم جمع بودند ولی الان همه از هم دور هستند و فرزندان بیشتر در اتاق‌هایشان به سر می‌برند و هنگام خواستن دوری از آن‌ها هزار دلیل و برهان مبنی بر این که زمانه عوض شده است می‌گویند.

تغییر نقش والدین: این مقوله دارای مفاهیم رابطه والدین و فرزندان، والدین به عنوان مرجع است و ما را متوجه این نکته می‌کند که والدین ساختار جایگاه خود را نسبت به گذشته از دست داده‌اند: "در گذشته فرزندان اگر سوالی داشتند از بزرگترها می‌پرسیدند ولی الان جواب خود را از اینترنت جستجو می‌کنند و آن رابه روزتر و قابل استناد تر می‌دانند، چراکه می‌گویند والدین مال نسل قبل هستند و اطلاعاتشان قدیمی شده است". زن و شوهرها ی جوان وقت کمتری برای همدیگر و کودکان خود دارند چراکه هم آن‌ها مشغله‌های بیرونی بیشتری دارند و هم بچه‌ها والدین را به عنوان مرجعی اصولی برای مسایل خود قبول ندارند".

تجدید سبک رابطه‌ها: تحول روابط، تغییر ارتباط‌های فامیلی، افزایش روش‌های ارتباطی، مفاهیمی هستند که در این مقوله جای می‌گیرند. شاید بتوان گفت که اولین موردی که تغییر کرد رابطه‌ها در هر سبک و منشی بود: "دسترسی به افراد آسان تر شده است، قبلا آگه کسی با فرزند یا پدر و مادرش که در راه دور بودند می‌خواست حرف بزند باید می‌رفت به مخابرات، تازه فقط ارتباط صوتی بود ولی الان با پیشرفت تکنولوژی با کمترین هزینه همیشه ارتباط صوتی و تصویری داشت". الان به دلیل درگیری پدر و مادرها و فرزندان با فضای مجازی ارتباطی دیگر به ارتباط‌های قبلی اضافه شده است، امروزه جوانان ارتباطشان با جنس مخالف بیشتر در فضای مجازی شده است".

دنیای مجازی: این مقوله عمده از مقوله‌های نهایی خانواده در مسیر تحول دارای این مفاهیم است: فامیل مجازی، نزدیکی مجازی، هویت مجازی، تجربه مجازی که نشان دهنده اضافه شدن یک بعد جدید به زندگی امروزه ماست: "الان خانواده من بیشتر وقت خود را با دوستان مجازی و فامیل مجازی می‌گذرانند تا واقعی". استفاده از این شبکه‌ها از دید مثبت باعث نزدیکی افراد در فضای مجازی شده است و لحظه‌های خود را به اشتراک می‌گذارند، ولی از سوی دیگر سنت و رسوم از بین رفته است".

ارزش زدایی: مقوله ارزش زدایی شامل مفاهیم قداست، معنویت، سنت و مذهب، ارزش‌ها است. بی‌اغراق می‌توان گفت که فضای مجازی و رسانه‌ها آن چیزی را که خانواده‌ها سست و بی‌ارزش کرده‌اند سنت‌های دیرینه و معنویت و مذهب است: "قداست و حرمت رابطه‌ها، مخصوصاً بین اعضای خانواده از بین رفته است، قبلاً حرف بزرگترها به خیلی از دلیل‌ها ارج و قرب خاصی داشت و مردم سنت احترام را بیشتر در زندگی رعایت می‌کردند". به دلیل حجم تبادل اطلاعات زیاد و سرعت انتقال فرهنگ و تغییرات جوامع، ارزش‌های سنتی و مذهبی رنگ و شکل دیگری گرفته است و می‌توان گفت آگه قبلاً به چیزی مثل اعتقادهای قومی و ریشه دار جلوی خیلی از کارها رو می‌گرفت، با آمدن این سریال‌ها و فضای مجازی قداست همه چیز از بین رفته است و کار نادرست انجام دادن عادی شده است، چرا که وقتی انسان حتی یک کار بد را زیاد ببیند قبح آن می‌ریزد".

ظاهرگرایی: مقوله عمده ظاهرگرایی شامل مفاهیم کمیت‌گرایی، تقلید و مقایسه است. در واقع ظاهرگرایی به این معنی است که اعضای خانواده بدون توجه به ریشه و زیربنای فکرکردن دست به عمل می‌زنند: "باعث شده مردم کیفیت را فراموش کنند و کمیت را ببینند مثلاً الان همه از رابطه و گوشی و.... چند تا می‌خواهند، بدون اینکه توجه کنند که آیا لازم هست یا نه فقط چون فلانی دارد ما هم باید داشته باشیم و این که کی چی دارد الان در شبکه‌های مجازی زیاد شده است و مردم خودنمایی‌های خود را به رخ بقیه می‌کشند که من فلان لباس را دارم یا فلان یخچال و غیره".

تسهیلات: تسهیلات شامل مفاهیم آموزش، استفاده بهینه، سرگرمی، افزایش آگاهی و کاهش هزینه و سترسی است. در واقع هر نو آوری همراه خود بهینه‌سازی در ابعاد مختلف دارد و این نوع استفاده ما از ابزار است که بیشتر بدو خوب می‌سازد: "گاهی اثرات مثبت بروی فرد دارد و می‌تواند آموزش‌هایی مثل آشپزی و دکوراسیون، خیاطی و غیره نیز بگیرد و همچنین باعث سرگرمی افراد سالمند و همچنین معلول شده است، پس این که فایده دارد یا ضرر به نوع استفاده و به شخصیت افراد بستگی دارد". "رسانه‌های ارتباطی با استفاده از اینترنت باعث شده است که هزینه‌های ارتباط کاهش پیدا کند".

عدم آرامش: این مقوله شامل مفاهیم تمرکزگرایی، گم‌گشتگی، خود باختگی، سردرگمی، چند زندگی و زمان است که نشان می‌دهد حضور و تمرکز و اتصال با کیفیت خود را در دایره‌ای از اطلاعات از دست داده ایم: "افراد در جامعه و در خانواده تمرکز خود را بروی امور زندگی از دست داده‌اند. هرکسی کمبود یا گم‌گشته‌ای دارد و در فضای مجازی از اطلاعات یا نشستن طولانی مدت پای سریال‌های ماهواره‌ای به دنبال آن می‌گردد".

فرد گرایی: مقوله فرد گرایی شامل مفاهیم تنهایی، انزوا و غریبه‌گی است؛ و تداعی کننده این قضیه است که ما دچار نوعی انزوا و درون‌گرایی شده ایم و فعالیت‌های فردی را به جمعی در مکان واقعی ترجیح می‌دهیم. "درست است که خانواده‌ها از لحاظ فیزیکی در یک خانه زندگی می‌کنند ولی از لحاظ ارتباطی خیلی دور هستند و هر کدام در دنیای خود غرق هستند که شاید هزاران کیلومتر دورتر از هم قرار دارند". خانواده‌های کنونی هیچ شباهتی به خانواده‌های قدیمی ندارد، افراد خانواده برای هم وقت کمتری دارند و بیشتر در فضای مجازی ماهواره‌ها سیر می‌کنند و ترجیح می‌دهند تنها باشند و بعد از مدتی احساس می‌کنند بچه‌هایشان با آنها غریبه شده‌اند و خود نیز هم اینطور می‌خواهند".

تغییرات بافت و فرهنگ: این مقوله عمده شامل مفاهیم فرهنگ، شناخت فرهنگ‌ها و زمینه‌زدایی است که به ما یادآوری می‌کند که تکنولوژی‌های ارتباطی درست است که باعث نزدیکی و شناخت فرهنگ شده است ولی در افتادن با زیر بناهای فرهنگی به هر شکلی نتیجه‌ای جز از خود دور شدن ندارد: "استفاده از رسانه‌های ارتباطی باعث شناخت بیشتر فرهنگ‌ها و آداب دیگر مرزها شده است، قدیم برای درک فرهنگ‌های مختلف باید به آن کشورها سفر می‌کردیم و یا از کسی که رفته سؤال کنیم، اما امروزه خیلی بهتر شده است". اعضای خانواده و حتی جامعه وابستگی‌های دیرینه خود به اصول و زمینه‌ای که در طی سالیان از نسلی به نسل دیگر به دست آورده بودند را از دست داده‌اند، نوجوانان که این موارد حتی به آن‌ها انتقال هم پیدا نکرده‌اند بخوانند از دستش بدهند و اصلاً اطلاعاتی از این موارد ندارند و در فرهنگ غرب ذوب شده‌اند، شما این لباس پوشیدن‌ها و آرایش کردن‌ها و سبک زندگی را نگاه کنید، کجاش همخونی با اصالت ما دارد؟"

تغییرات روان‌شناختی: مقوله عمده تغییرات روان‌شناختی شامل مفاهیم بلوغ فکری زود رس، بدبینی، فشتیم و افسردگی است که همان‌طور که از اسمش مشخص است تغییرات در جامعه و خانواده‌ها از لحاظ فکری و احساسات و روان هم تاثیر گذار بوده است: "به دلیل اینکه هیچ‌کترلی روی اطلاعاتی که مادر یافت می‌کنیم نیست، نوجوانان و حتی بزرگسالان به اطلاعاتی که مقتضی سن یا شرایط آن‌ها نیست دست پیدا می‌کنند و به نوعی دچار بلوغ فکری زود رس می‌شوند". "دور شدن از مثبت

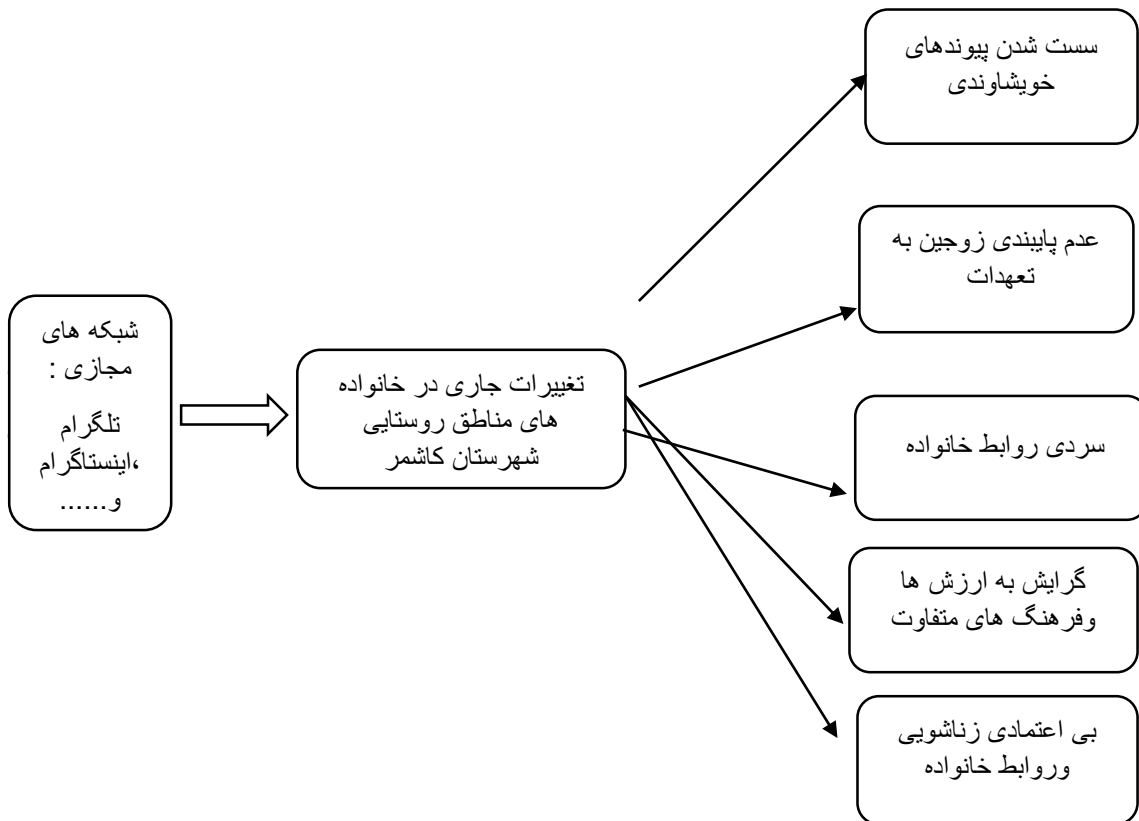
اندیشی و رفتن به سمت رویاهای کاذب، یکی از تأثیرات مهم است، از زمانی که این فضاها به وجود آمده است انسان‌ها آرامش گذشته را ندارند و مدام از موقعیتها ایراد می‌گیرند و بدبینی به همه چیز در بین زوجین جوان رایج شده است." تغییرات ازدواج: تغییر در ازدواج و زندگی های زناشویی و شناخت زوجین از همدیگر مقوله عمده‌ای با این مفاهیم است: عدم ازدواج، ازدواج‌های در معرض خطر، شناخت در ازدواج که ازدواج را که نقطه‌ی شروع خانواده است را با بحران جدی روبه‌رو کرده است: "الان نحوه آشنایی جوانان برای ازدواج کلاً فرق کرده و از محیط واقعی و فامیل و دوستان با آشناییهای فردی و مجازی تبدیل شده است. اول به وسیله رابطه مجازی عاشق می‌شوند و بعد از ازدواج تازه همدیگر را می‌خواهند بشناسند." تغییرات زیر بنایی خانواده‌ها: این مقوله عمده شامل مفاهیم کوچک شدن خانواده‌ها، کانون خانواده، فرم خانوده و شکاف نسل‌ها است که اشاره به این دارد که شکل و فرم رابطه‌ها و الگوهای جافتاده در خانواده‌ها و روابط آن‌ها با خانواده هسته‌ای و گسترده تغییر کرده است. "روابط فامیلی بسیار کم شده است و در نتیجه باعث از بین رفتن علاقه و وابستگیهای فامیلی شده است و رابطه‌های مفرح و ایجادکننده بحس اجتماعی بودن جای خود را به روابط تصویری داده است، انگار که فقط یک وظیفه داریم و باید آن را انجام دهیم."

قدرت تصمیم‌گیری و اجرا: به هم خوردن توازن قدرت؛ تغییر مرجع تصمیم‌گیری و نوع تصمیم‌گیری از مفاهیم به دست آمده از مقوله‌ی قدرت تصمیم‌گیری و اجرا هستند که نشان می‌دهد که خواستگاه قدرت در خانواده و مجرای آن تغییر کرده است: "ما قبلاً یک چیزهایی را بد و خوب می‌دانستیم و طبق همان خانواده را مجبور به عمل مطابق بد و خوب خودمان می‌کردیم اما الان توازن قدرت در خانواده‌ها از بین رفته است و جایگاه‌های افراد از بین رفته است."

کاهش همدلی اجتماعی: این مقوله عمده از مفاهیم احترام متقابل، اعتماد متقابل و خود محوری تشکیل شده است و به ما گوش زد می‌کند که به دلیل هرج و مرجع اطلاعاتی و جاده‌ی یک طرفه‌ای که بین سنت دیرینه کشیده شده است، همدلی و علاقه اجتماعی کم شده است: "بس که در این سریال‌ها و گروه‌های مجازی از خیانت و روابط نامشروع حرف می‌زنند که اعضای خانواده و اجتماع نسبت به هم بی‌اعتماد شده‌اند و دورویی رواج پیدا کرده است، یعنی به هم که می‌رسند از ترس این که بلایی سرشان نیاید سپر را از رو می‌بندند."

اثرات مدرنیته: حریم خصوصی، کاهش خلاقیت، نزدیکی در عین دوری، کاهش تحرک و مصرف‌گرایی اطلاعاتی از مفاهیم زیر مجموعه‌ی مقوله عمده مدرنیته هستند، به نوعی که گریزی از آن‌ها نیست: "افراد از لحاظ ذهنی بزرگ شده‌اند چرا که سیل عظیم اطلاعات را هر روز دریافت می‌کنند، ولی این ذهنیت‌ها به عمل تبدیل نمی‌شود و شده ایم مصرف‌گرا صرف آنچه که تولید می‌شود، آن‌هم بدون سازگاری و تحلیل." "هر فرد در انزوای خود با سیل عظیمی از اطلاعات در ارتباط است و درست است که خانواده‌ها از هم بیشتر خبر دارند، ولی سطح ارتباط فیزیکی آن‌ها خیلی کم شده است."

شکل شماره ۱: مدل نظری رابطه بین شبکه های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در ارتباطات خانواده در خانواده های مناطق روستایی شهرستان کاشمر



در شکل زیر عمده ترین ویژگیهای تغییرات ارتباطات خانواده قابل مشاهده است. لازم به ذکر است ویژگیهای ناشی از تغییر در روابط خانواده تحت تاثیر شبکه های اجتماعی مجازی با فلش به نمایش درآمده است. با توجه به یافته های این بخش در نهایت برای رسیدن به نتیجه مطلوب، فرضیه های تحقیق به شرح زیر تدوین شده است:

- ۱- بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و دوام ارتباطات خانواده اهالی شهرستان کاشمر همبستگی وجود دارد .
- ۲- بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و کاهش صمیمیت خانواده اهالی شهرستان کاشمر همبستگی وجود دارد.
- ۳- بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و کاهش اعتماد خانواده اهالی شهرستان کاشمر همبستگی وجود دارد .
- ۴- بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و متزلزل شدن ارزش های خانواده اهالی شهرستان کاشمر همبستگی وجود دارد.
- یافته های کمی

براساس یافته ها از ۳۸۶ نفر پاسخگو که همه از کاربران فعال شبکه های مجازی بوده اند. منظور از کاربران فعال افرادی هستند که روزانه بیش از ۳۰ دقیقه را در این فضا سپری می کنند. دامنه سنی ۳۵ تا ۵۰ سال می باشد.

برابر یافته های تحقیق، بیشترین زمان استفاده روزانه از شبکه های مجازی ۴۹۰ دقیقه (بیش از ۸ ساعت) و میانگین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی ۱۰۵ دقیقه است. هم چنین بیش از نصف پاسخگویان روزانه ۷۵ دقیقه از شبکه های اجتماعی مجازی استفاده می کنند.

- فرضیه ۱: بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و دوام ارتباطات خانواده (ارتباط زوجین) همبستگی وجود دارد.
- با توجه به شیوه نمونه گیری غیر احتمالی از ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون این فرضیه استفاده شد. براساس جدول ۲ بین میزان استفاده کاربران از فضای شبکه های اجتماعی مجازی و ارتباط زوجین رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۲. همبستگی بین میزان استفاده از شبکه های اجتماعی با ارتباط زوجین

Correlations

	ارتباط زوجین	شبکه های اجتماعی
ارتباط زوجین	Pearson Correlation Sig. (2-tailed) N	.۲۶۸** .۰۰۰ ۳۸۶
شبکه های اجتماعی	Pearson Correlation Sig. (2-tailed) N	.۲۶۸** .۰۰۰ ۳۸۶

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

- فرضیه ۲: بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و کاهش صمیمیت خانواده همبستگی وجود دارد .
- براساس جدول ۳ بین میزان استفاده کاربران از فضای شبکه های اجتماعی مجازی و کاهش صمیمیت رابطه معنادار وجود دارد .

Correlations

	شبکه های اجتماعی	کاهش صمیمیت
شبکه های اجتماعی	Pearson Correlation Sig. (2-tailed) N	۱ ۰۰۰ ۳۸۶
کاهش صمیمیت	Pearson Correlation Sig. (2-tailed) N	۰۴۳۵** ۰۰۰ ۳۸۶

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

فرضیه ۳: بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و کاهش اعتماد خانواده رابطه معنادار وجود دارد.

براساس جدول ۴ بین استفاده کاربران از فضای شبکه های مجازی و کاهش اعتماد رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۴. رابطه بین استفاده از شبکه های اجتماعی و کاهش اعتماد

Correlations

	کاهش اعتماد	شبکه های اجتماعی
کاهش اعتماد	Pearson Correlation Sig. (2-tailed) N	۱ ۰۰۰ ۳۸۶
شبکه های اجتماعی	Pearson Correlation Sig. (2-tailed) N	۰۱۷۸** ۰۰۰ ۳۸۶

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

فرضیه ۴: بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و متزلزل شدن ارزش ها رابطه معنادار وجود دارد.
بر اساس جدول ۵ بین استفاده کاربران از فضای شبکه های مجازی و متزلزل شدن ارزش ها رابطه معنادار وجود دارد.
جدول شماره ۵ رابطه بین شبکه های اجتماعی و متزلزل شدن ارزش ها

	شبکه های اجتماعی	متزلزل شدن ارزش ها
شبکه های اجتماعی	Pearson Correlation Sig. (2-tailed) N	۱ ۰۰۰ ۳۸۶
متزلزل شدن ارزش ها	Pearson Correlation Sig. (2-tailed) N	۰۰۰ ۳۸۶ ۳۸۶

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

رگرسیون

متغیر وابسته (شبکه های اجتماعی) بر متغیرهای مستقل از جمله (ارتباط زوجین، کاهش اعتماد، کاهش صمیمیت، متزلزل شدن ارزش ها) نقش دارد.

به منظور تحلیل نقش متغیر وابسته بر روی ارتباطات خانواده از جمله مؤلفه های آن از جمله: ارتباط زوجین، کاهش صمیمیت، کاهش اعتماد و متزلزل شدن ارزش ها از روش رگرسیون خطی ساده استفاده شده است. برای مقایسه نقش متغیرهای مستقل موجود در مدل رگرسیون بر روی متغیر وابسته از ضرایب استاندارد (Beta) استفاده شده است.

جدول ۶. رگرسیون خطی ساده

Variables Entered/Removed^a

Model	Variables Entered	Variables Removed	Method
۱	متغیرهای ارتباط زوجین، کاهش اعتماد، کاهش صمیمیت، متزلزل شدن ارزش ها		Enter

- a. Dependent Variable: متغیر شبکه‌های اجتماعی
- b. All requested variables entered.

جدول «شماره ۶» نشان می‌دهد که برای پیش بینی نقش متغیر وابسته شبکه‌های اجتماعی بر اساس ۴ متغیر مستقل از یک مدل رگرسیونی به روش Enter استفاده شده است.

جدول ۷ خلاصه مدل را نشان می‌دهد

Model Summary^b

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱	.۳۷۶ ^a	.۱۴۲	.۱۳۳	.۹۷۰۴۳

- a. Predictors: (Constant), کاهش زوجین، کاهش اعتماد، کاهش صمیمیت و متزلزل شدن ارزش‌ها
- b. Dependent Variable: متغیر شبکه‌های اجتماعی

جدول «شماره ۷» خلاصه مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۳۷۶٪ می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق همبستگی خوبی وجود دارد. اما مقدار ضریب تعدیل شده (R²) که برابر با ۱۳۳٪ می‌باشد. نشان می‌دهد ۱۳/۳ درصد نقش متغیر وابسته به ۴ متغیر مستقل ذکر شده در این معادله می‌باشد. به عبارت دیگر مجموعه متغیرهای مستقل کمتر از نیمی از واریانس متغیر شبکه‌های اجتماعی را برآورد می‌کنند.

باتوجه به معنی داری مقدار F (۲۲۱/۲۳۴) در سطح خطای کمتر از ۱٪ می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از ۴ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته (شبکه‌های اجتماعی) مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل مؤثر از متغیر وابسته شبکه‌های اجتماعی را می‌باشند.

جدول ۸ میزان تاثیر هر متغیر

ANOVA^a

Model		Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
۱	Regression	۵۹.۲۰۸	۴	۱۴.۸۰۲	۱۵.۷۱۸	.۰۰۰ ^a
	Residual	۳۵۸.۸۰۳	۳۸۱	.۹۴۲		
	Total	۴۱۸.۰۱۰	۳۸۵			

- a. Dependent Variable: متغیر شبکه‌های اجتماعی

b. Predictors: (Constant) متغیر متزلزل شدن ارزش ها، متغیر کاهش صمیمیت، متغیر کاهش اعتماد، متغیر ارتباط زوجین

جدول «شماره ۸» نتایج مربوط میزان تاثیر هر متغیر در مدل و همچنین میزان همبستگی بین آن ها را نشان می دهد. در این بخش ضرایب تاثیر رگرسیونی با Beta انجام می گیرد زیرا این آماره نشان دهنده ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر یک از متغیرها مستقل بر روی متغیر وابسته است .

در این پژوهش با استفاده از رهیافت روش کیفی - کمی به طور آمیخته به بررسی نقش شبکه های اجتماعی بر ارتباطات خانواده در جامعه مناطق روستایی شهرستان کاشمر پرداخته شد. هدف درک و بازسازی این جامعه از تغییرات روابط خانوادگی مربوط به رسانه های مجازی بود. که در بخش کیفی نهاد خانواده در ایران در چند دهه اخیر بیشتر به دلیل سیاست های مبتنی بر برنامه های نوسازی و تغییرات فرهنگی متأثر از آن دستخوش تغییرات مهمی شده که این تغییرات، روابط و ساختار خانواده ایرانی را به چالش کشیده است. این تغییر در روابط از زمان پیدایش اینترنت و تبدیل شدن جهان به یک دهکده جهانی ارتباطی شکل و سرعتی متفاوت به خود گرفته است. در این پژوهش در مرحله کد گذاری باز ۶۳ مفهوم اولیه، در مرحله کد گذاری محوری ۱۷ مقوله و در کدگذاری انتخابی ۱ مقوله هسته ای به دست آمد.

مقوله عمده دوری از خود، خانواده، اجتماع نشان دهنده نوعی انزوا طلبی آگاهانه است که افراد در دنیای امروزه برای خود انتخاب کرده اند و خود را در مقابل آن ناگزیر و ناتوان می بینند. مقوله عمده خلاء عاطفی و معنوی نشان دهنده این بود که هسته عاطفی در خانواده ها کم رنگ شده است و به نوعی در فضای مجازی رنگ و بوی جدیدی به خود گرفته است و افراد فرد گرایی را به جمع گرایی ترجیح می دهند. تغییر نقش والدین از آن مقوله هایی بود که نشان داد والدین از لحاظ نقش ها و به تبع آن کارکردی که در خانواده داشتند، تغییر کرده اند. در گذشته والدین بزرگترین منبع عاطفی، احساسی و رفتاری برای فرزندان بودند ولی در زمان حال اینگونه نیست. مقوله بعدی تجدید سبک رابطه ها بود. بر حسب رسانه های مجازی شکلی که افراد با هم ارتباط برقرار می کنند تغییر کرده است و به نوعی رابطه مجازی تبدیل شده است که لزوماً نیازی به حضور فیزیکی ندارد. مقوله دنیای مجازی نشان دهنده تجربه ای نو وجودی در عرصه های مختلف زندگی است. فامیل مجازی، نزدیکی مجازی، هویت مجازی، تجربه مجازی که نشان دهنده اضافه شدن یک بعد جدید به زندگی امروزه ما است. مقوله ارزش زدایی نشان دهنده این موضوع است که فضای مجازی و رسانه ها سنتهای دیرینه، معنویت و مذهب را که در خانواده ها ست و بی ارزش کرده اند و رابطه ها آن قداست گذشته را ندارد. ظاهر گرایی مقوله بزرگی است که اشاره دارد به توجه به ظواهر اعمال و کاهش تفکر، به عنوان پدیده ای که به وفور دیده می شود. چشم وهم چشمی و عقب نماندن از دیگران از واجبات زندگی ها شده است.

مقوله تسهیلات عنوان می کند که هر پدیده در کنار معضلات، سودمندیهای بسیاری نیز دارد و این نوع استفاده ما است که مشکل ایجاد می کند. مواردی چون آموزش، سرگرمی، افزایش، آگاهی، کاهش هزینه و دسترسی آسان تر به مکان ها و اطلاعات مثال هایی در این زمینه است. عدم آرامش مقوله عمده دیگر است که به این نکته اشاره دارد که ما به عنوان انسان حضور و تمرکز و اتصال با کیفیت خود را با زندگی در دایره ای از اطلاعات از دست داده ایم و روز به روز آشفته تر و سردرگم تر می شویم.

مقوله فرد گرایی شامل مفاهیم تنهایی، انزوا و غریبه گری است و تداعی کننده این قضیه است که ما دچار نوعی انزوا و دون گرایی شده ایم و فعالیت های فردی را به جمعی در مکان های واقعی ترجیح می دهیم. همچنین خانواده گرایی های پر جمعیت جای خود را به دوست گرایی های کم جمعیت داده است. تغییرات بافت و فرهنگ مقوله بسیار مهمی است که اشاره دارد نوسازی و رسانه ها از یک طرف باعث نزدیکی آداب و فرهنگ های گوناگون شده اند و از طرف دیگر باعث گسستن پیوندهای سنتی با فرهنگهای قدیمی، آداب و رسوم شده اند. در مقوله تغییرات روانشناختی عنوان دارد که تغییرات در خانواده و جامعه از لحاظ فکری، احساسی و روانی هم تاثیر گذار بوده است. بدبینی فشیسم، افسردگی و انزوا طلبی نمونه هایی از این دست هستند. دور شدن از مثبت اندیشی و رفتن به سمت رویاهای کاذب، یکی از تاثیرات مهم است. مقوله تغییرات ازدواج شامل مفاهیم عدم ازدواج، ازدواج های در معرض خطر شناخت در ازدواج است. این مقوله اشاره دارد که تغییرات نوسازی و رسانه ای، ازدواج را که نقطه شروع خانواده است را با بحران جدی روبه رو کرده است. مقوله تغییرات زیر بنایی خانواده ها شامل مفاهیم کوچک

شدن خانواده‌ها، کانون خانواده، فرم خانواده و شکاف نسل‌ها است که اشاره به این دارد که شکل و فرم رابطه‌ها و الگوها جافتاده در خانواده‌ها و روابط آن‌ها با خانواده هسته‌ای و گسترده تغییر کرده است. قدرت تصمیم‌گیری و اجرا مقوله عمده‌ای است که نشان می‌دهد خواستگاه قدرت در خانواده و مجرای آن تغییر کرده است، ما قبلاً یک چیزهایی را بدو خوب می‌دانستیم و طبق همان خانواده را مجبور به عمل مطابق بدو خوب خودمان می‌کردیم اما الان توازن قدرت در خانواده از بین رفته است و جایگاه‌های افراد از بین رفته است. مقوله عمده کاهش همدلی اجتماعی نشان می‌دهد که خود محوری بیشتر شده است و احترام و اعتماد متقابل کاهش پیدا کرده است در آخر مقوله اثرات مدرنیته مواردی را بررسی می‌کند که در سیر گذار به سمت نوسازی و رسانه‌های مجازی، گریزی از آن‌ها نیست. حریم خصوصی، کاهش خلاقیت، نزدیکی در عین دوری، کاهش تحریک مصرف‌گرایی اطلاعاتی از نمونه اثرات مدرنیته هستند.

دنایای امروزه خانواده شاهد برهم‌کنشی ناهم‌ساز بین برخی از اجزا مرتبط با خانواده سنتی و پاره‌ای از ارزش‌های برخاسته از نوسازی است. مولفه‌های خانواده‌های امروزی برحسب تأثیرات نوسازی متعاقباً در حال پوست‌اندازی و تحول هستند. (زاهدی و همکاران ۱۳۹۲).

به طور کلی تحولات معاصر خانواده‌های ایرانی را می‌توان به طور خلاصه اینگونه بیان کرد: تنوع ساختاری، کاهش نقش حمایت‌گری، شبکه‌های خویشاوندی، فردگرایانه شدن ازدواج، گسترش روابط پیش از ازدواج، افزایش جایگاه و قدرت زنان در مناسبات خانوادگی، کاهش گفت‌وگو خانواده‌گرایی، کاهش اهمیت فرزندآوری (احمدی، ۱۳۸۹).

تحلیل‌های جامعه‌شناختی و پژوهش‌های تجربی بیان‌گر این است که با ورود عناصر مدرنیته به زندگی، خانواده در معرض تغییر و تحولات شگرفی قرار گرفته است. شبکه‌های اجتماعی مجازی در جایگاه یکی از مهم‌ترین این ابزارها، با قابلیت‌ها و امکانات خود تأثیرات عمیقی بر جنبه‌های اجتماعی کاربران در جوامع گوناگون گذارده است. به نظر برخی از متخصصان، این شبکه‌های اجتماعی مجازی تجلی زندگی دوم انسان است. استفاده روزافزون کاربران ایرانی به ویژه زوجین از شبکه‌های اجتماعی مجازی مسئله‌ای بدیهی است و به طور گریزناپذیری، زوجین در مواجهه با اینترنت و فضای مجازی تأثیر پذیری زیادی دارند و این تأثیر پذیری بر جنبه‌های مختلف زندگی زناشویی آنها اثر سویی گذاشته است که نتایج پژوهش حاضر این موضوع را تایید می‌کند.

به منظور تبیین نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات خانواده در مناطق روستایی شهرستان کاشمر، پژوهش حاضر بر روی ۳۸۴ نفر زوجین این مناطق انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد هرچه میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی افزایش یابد ارتباطات و پیوندهای خانوادگی سست می‌شود، پایداری زوجین به تعهدات زناشویی کاهش می‌یابد، روابط زناشویی و صمیمیت زوجین سرد می‌شود، اعتماد خانوادگی کاهش پیدا می‌کند احساس شک و بدبینی به یکدیگر افزایش می‌یابد، ارزش‌ها در خانواده رنگ می‌بازد، احساس رضایت از زندگی زناشویی کم‌رنگ می‌شود و در نهایت، زمینه برای تغییر و تحولات خانواده و در نتیجه از هم‌گسیختگی خانوادگی فراهم می‌شود.

باتوجه به نتایج به دست آمده، مشخص شد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی از عوامل اصلی سست شدن روابط زوجین و پیوندهای خانوادگی است که این نتیجه مطابق با یافته‌های علی احمدی (۱۳۸۹) است. در پژوهش حاضر رابطه بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و عدم پایداری به ارزش‌های مختلف نیز معنادار شد. بنابراین شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش بسیار مهمی در متزلزل شدن ارزش‌ها دارد. از نظر کاستلز به دلیل گسترش روزافزون ارزش‌های مدرن ارزش‌های

زوجین مدام در حال تغییر است و امکان تعامل بین دوجنس از طریق فضای مجازی افزایش یافته است و این امر سبب شده است که زوجین از مهم ترین تعهدات مربوط به زناشویی غافل شوند (کاستلنز ۱۳۸۰).

بر اساس نتایج پژوهش، ارتباط بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و سردی روابط و صمیمیت بین خانواده نیز مورد تایید قرار گرفته است. در حقیقت پرایش به شبکه های اجتماعی مجازی و درگیری بیش از حد خانواده در فضای مجازی سبب غفلت آنان از مهم ترین وظایف زناشویی می شود. یافته های پژوهش عرب انصاری، رمضانپور صالحی (۱۳۹۳) نیز حاکی از آن است که حضور و تعامل در شبکه های اجتماعی مجازی سبب سردی و کاهش صمیمیت در زندگی خانوادگی دارد. بر این اساس، گرایش خانواده ها به شبکه های اجتماعی مجازی و استفاده بیش از حد از محتوای فضای سایبری با احساس تنهایی و خلاء عاطفی همراه است.

نتایج حاصل از این پژوهش همبستگی مثبت بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و بی اعتمادی زناشویی زوجین را نشان می دهد. همچنین مقدار آشنان داد که بی اعتمادی خانواده که از شبکه های اجتماعی استفاده می کنند از خانواده هایی که از شبکه های اجتماعی مجازی استفاده نمی کنند بیشتر است. به باور گیدنز مکان و پیوند های خویشاوندی که در شرایط مدرنیته کاهش یافته است و دیگر نمی توانند به میزان گذشته زمینه اعتماد و روابط صمیمانه را بین زوجین و خانواده ها فراهم کنند (گیدنز ۱۳۸۳).

بدین ترتیب یافته های کیفی - کمی تاییدی است بر این استدلال نظری که خانواده ها و زوجینی که از شبکه های اجتماعی مجازی استفاده می کنند و در معرض پیام ها و محتوای این شبکه ها قرار دارند، بیشتر از خانواده ها و زوجینی که هیچ گونه استفاده ای از شبکه های اجتماعی مجازی ندارند، روابط زناشویی شان دچار تغییر و تحول می شود. به طور کلی نتایج پژوهش نشان می دهد که جامعه مورد مطالعه دچار اختلال هنجاری (آنومی) است. و ضرورت مدیریت تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جامعه مورد مطالعه احساس می شود.

با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، برای بهبود و ارتقاء سطح کیفی زندگی زوجین و خانواده ها پیشنهاد می شود که با توجه به سست شدن پیوندهای خویشاوندی زوجین که از گرایش به شبکه های اجتماعی مجازی تاثیر می پذیرد، خانه های سلامت و سراهای محلات با بهره گیری از مشاوران و متخصصان حوزه خانواده و ازدواج مدد جسته و با برگذاری کلاس ها، کارگاه ها و دوره های آموزشی برای افزایش تعهدات زناشویی زوجیت، ارتباطات خانوادگی اقدام کنند.

افزایش سواد رسانه ای زوجین در برخورد با محتوا و مطالب شبکه های اجتماعی مجازی سبب افزایش استفاده درست و ارزشی از تکنولوژی های نوین می شود. همچنین برنامه ریزی فرهنگی بر روی نهاد خانواده برای کنترل و جهت دهی شیوه استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی می تواند در ترویج فرهنگ صحیح استفاده از این رسانه های نو ظهور موثر باشد. عرضه محصولات فرهنگی و اطلاع رسانی به خانواده ها از طریق نهادهای فرهنگی مانند ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ورزش و جوانان، معاونت اجتماعی - فرهنگی شهرداری، سراهای محلات و..... می تواند سواد رسانه ای خانواده ها را گسترش دهد و شرایطی فراهم کند که زوجین و خانواده ها با خیال آسوده بتوانند از رسانه های جدید ارتباطی استفاده کنند و از گزندهای آن نیز در امان باشند. همچنین برنامه ریزی کلان برای حل مسائل خانواده برای بالا بردن تفاهم و سازگاری زناشویی از طریق آموزش مهارت های زندگی و ارتباطی و در نتیجه کاهش میزان طلاق عاطفی نیز در این زمینه تاثیر گذار خواهد بود.

همچنین با افزایش آگاهی‌های عمومی (به ویژه توسط صدا و سیما)، تقویت تفکر انتقادی و رشد تعهد اجتماعی، افراد می‌آموزند که هنگام رویارویی با دنیاها‌ی فرهنگی - اجتماعی جدید به شکلی منفعلانه از آن تاثیر نپذیرند. به این ترتیب می‌توان ضریب آسیب‌پذیری خانواده و مخصوصاً زوجین را در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی مجازی کاهش دهد.

پیشنهادها

پیشنهادهای رویکردی

الف) تغییر نگرش نسبت به بافت فرهنگی و اجتماعی: جامعه‌شناسان و پژوهشگران علوم انسانی اهداف زیر را برای مطالعات خود ذکر می‌کنند: اکتشاف و توصیف، تبیین، پیش‌بینی یا پژوهش کاربردی ناظر به راه‌حل (بلیکی، ۱۳۸۷). جامعه‌شناسی در ایران بیشتر درگیر اهداف اولیه یعنی توصیف و تبیین بوده است و به دو هدف آخر یعنی پیش‌بینی و ارائه راه‌حل به دلایل مختلف کمتر توجه شده است. برای بیرون‌رفتن مطالعات علوم اجتماعی از این مسئله، باید به اقتضائات و نکات متفاوتی توجه شود که یکی از آنها مکان‌محورتر شدن مطالعات است؛ یعنی اگر جامعه‌شناسان به دنبال ارائه پیش‌بینی یا ایجاد تغییری برای مسائل اجتماعی‌اند، لازم است به‌طور دقیق‌تر ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی میدان مطالعه خود را در نظر بگیرند و سپس راهکار ارائه کنند. به نظر می‌رسد زیرساخت‌های معرفتی این تغییر نگرش، به‌خوبی در پارادایم‌های تفسیری و انتقادی یافت می‌شوند. برای مثال براساس مطالعه حاضر، توصیه می‌شود در مطالعات پیش رو به شهرهای دیگر به‌منزله «بافت فرهنگی - اجتماعی» توجه بیشتری شود.

ب) تغییر نگرش نسبت به شبکه‌های اجتماعی: به نظر می‌رسد تحولات جهانی به‌خوبی نشان‌دهنده روند رو به رشد جایگاه رسانه‌ها در زندگی بشرند. از نظر برخی پژوهشگران، این روند نظریه‌های گذشته را در تبیین پدیده‌های اجتماعی با مشکل روبه‌رو می‌کند و توجه به رویکردهای نظری جدیدی که جایگاه رسانه را تفسیر می‌کنند، در مطالعات پیش رو ضروری می‌نماید. برای نمونه رویکرد رسانه‌ای شدن، درباره جایگاه جدید رسانه معتقد است دیگر رویکردهای ابزارگرایانه، قدرت تبیین این پدیده را ندارند و رسانه در شئونی فراتر از ابزار به اثرگذاری اجتماعی می‌پردازد. هاروارد معتقد است رسانه‌ها در فرایند رسانه‌ای شدن هم نقش اصلی خود را ایفا می‌کنند هم در حکم نهادی مستقل، زمینه را به‌گونه‌ای فراهم می‌کنند تا دیگر نهادها و عاملان اجتماعی بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. رسانه ازسویی در عملکرد دیگر نهادها مثل خانواده، سیاست، مذهب و ... مداخله و بر آنها اعمال نفوذ می‌کند و ازسویی، برای جامعه، فضای مشترکی همچون تالارهای گفتگوی مجازی فراهم می‌کند که نهادها و بازیگران صحنه جامعه برای تعاملات خود به‌صورت فزاینده‌ای از آن بهره ببرند (Hjarvard, 2008:12).

ازسوی دیگر، شبکه‌های اجتماعی به‌منزله فضایی که حجم جالب توجهی از تعاملات اجتماعی را در خود جای می‌دهند و در برخی موارد همچون تلگرام تا حد زیادی مخاطب فراگیری از جامعه ایران را در خود جای داده‌اند، محیط مناسبی برای انجام پژوهش‌های اجتماعی به اشکال گوناگون‌اند؛ به بیان دیگر، در پژوهش‌های آینده، پژوهشگران می‌توانند به جای گردآوری داده در بستری حقیقی، از داده‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند یا رفتارهای اعضای جامعه را در بستر مجازی مشاهده و تحلیل کنند.

پیشنهادهای روش‌شناختی

الف) پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در پژوهش‌های آینده، از روش‌های کیفی و ترکیبی استفاده بیشتری کنند. استفاده حدود ۹۰ درصدی از روش کمی پیمایشی در مطالعات بررسی شده، بیان‌کننده غلبه پارادایم اثباتی میان نویسندگان مقالات است که به نظر می‌رسد استفاده از دیگر پارادایم‌ها و روش‌های متأثر از آن، به فهم بهتر پدیده‌ها کمک می‌کند. در روش‌های پژوهشی متأثر

از رویکردهای تفسیری و انتقادی، تأکید ویژه‌ای بر بافت و زمینه می‌شود که استفاده بیشتر از روش‌های متأثر از این رویکردها و به‌ویژه روش‌های کیفی و ترکیبی، نتایج دقیق‌تری به‌دنبال دارد. برای نمونه در رویکرد کیفی، پژوهشگران در پی فهم بافت یا موقعیت شرکت‌کنندگان از طریق دیدن این بافت و گردآوری اطلاعات به‌صورت شخصی‌اند (کرسول، ۱۳۹۱: ۴۳) در روش نظریه‌زمینه‌ای پژوهشگر در روند پژوهش تأکید ویژه‌ای بر فهم تأثیرات بستر و بافت بر مسئله پژوهش دارد یا در روش تحلیل گفتمان انتقادی، به‌صورتی محوری به نقش زمینه‌های تاریخی و فرهنگی در شکل‌گیری گفتمان‌ها تأکید می‌شود. در حوزه مطالعات کمی نیز ضعف کمی و کیفی مطالعات مشهود است که نیاز به انجام مطالعات با توجه به ضعف‌ها و نواقص مطالعات قبل را ضروری می‌کند.

ب) پیشنهاد می‌شود سیاستگذاران و استادان دانشگاه، از جامعه آماری متنوع‌تری در مجموعه پژوهش‌های آینده خود استفاده کنند. تأکید بیش از ۵۰ درصد مطالعات بر جامعه آماری دانشجویی، از شواهدی است که این بازنگری را ضروری می‌کند. گروه‌های اجتماعی دیگری نیز در جامعه حضور دارند؛ همچون زنان که در مطالعات میدانی به دلایل مختلف همچون سخت‌تر بودن دسترسی به آنها، به‌مراتب کمتر جامعه آماری مطالعات قرار می‌گیرند و این مسئله سبب ایجاد شکاف میان نتایج پژوهش‌های دانشگاهی با واقعیت‌های موجود جامعه می‌شود.

پیشنهاد‌های ساختاری

الف) با توجه به اهمیت فضای مجازی و تحولات آینده این حوزه، تعداد مقالات انتشاریافته و تخصص نویسندگان مقالات، توجه بیشتر به رشته‌ها و گرایش‌های ارتباطات و رسانه در خراسان رضوی ضروری به نظر می‌رسد. تأسیس رشته یا گرایش مرتبط با رسانه و ارتباطات در دانشگاه مشهد می‌تواند تضمین‌کننده افزایش کمی و کیفی مطالعات در خراسان رضوی باشد. خوب یا بد، درست یا غلط به نظر می‌رسد نتایج پژوهش و مشاهده‌ها نشان می‌دهند بسیاری از پژوهشگران روند پژوهش‌های خود را براساس انتخاب‌های در دسترس انتخاب می‌کنند. با توجه به اینکه در حال حاضر تقریباً هیچ فضای تخصصی با محوریت رسانه در دانشگاه‌ها وجود ندارد، تأسیس رشته ممکن است برخی زیرساخت‌ها را فراهم کند و سبب بهبود آن شود.

ب) تأسیس هسته‌ای علمی با تمرکز بر مطالعات رسانه‌ای در دانشگاه‌های ایران و توجه ویژه به مطالعات فرهنگی و اجتماعی ممکن است راهگشای ارتباط میان دانشگاه و جامعه نیز باشد. نتایج پژوهش انجام‌شده گویای ضعف اساسی در مطالعات پیشین در این زمینه است که در دیگر موضوعات فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای نیز تکرار می‌شود.

ج) رسانه پدیده‌ای چندوجهی و گسترده است که علوم مختلف، ابعاد مختلف آن را بررسی می‌کنند و همین مسئله لزوم مطالعات میان‌رشته‌ای در این زمینه را بیشتر می‌کند. علاوه بر تأکید بر مطالعات ارتباطی درباره رسانه، استفاده از ظرفیت میان‌رشته‌ای موجود در دانشگاه‌های اصفهان نیز برای تحلیل نظام‌مند شبکه‌های اجتماعی در قالب یک مرکز رشد یا هسته علمی، سومین پیشنهاد ساختاری است که روند ورود جدی‌تر به مطالعات شبکه‌های اجتماعی در اصفهان را تسهیل می‌کند.

منابع

-ازاد ارمکی، ت، (۱۳۸۶)، زندگی روزمره در ایران: زندگی روزمره، قدرت و فرهنگ، تهران: جهاد دانشگاهی

-اسلامی، مروارید. (۱۳۹۲)، بررسی شبکه های اجتماعی و تاثیرات آن ها بر ابعاد مختلف زندگی. تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۴/۱۴
 -اسدی، سعید، (۱۳۸۷) تحلیل شبکه های اجتماعی مجازی و کاربرد آن: پژوهشکده علوم و فناوری اطلاعات ایران، صفحه ۱۰۴-۱

-اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه: مریم، و تر. تهران: انتشارات کویر.
 -بشیر، حسن؛ افراسیابی، محمد صادق، شبکه های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان مطالعه موردی بزرگ ترین جامعه مجازی ایران، ۱۳۹۱، مقاله ۲، دوره ۵، شماره ۱- شماره پیاپی ۱۷، بهار (۱۳۹۱)، صفحه ۳۱-۶۲
 -بیدی، فاطمه، (۱۳۹۶) اعتیاد به اینترنت، چاپ چهارم، ویراست اول، تهران: انتشارات اوای نور.
 بورديو، پير، (۱۳۸۰) نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردیها، تهران: انتشارات نقش ونگار
 توسلی، غلامعباس، خاورمیانه، طلوعه (۱۳۸۶) نقش جمعیت در مصرف کالاهای فرهنگی، پژوهش نامه علوم اجتماعی سال اول شماره چهارم زمستان، صفحه ۵۱-۶۴

حسنى، الهام (۱۳۱۱). خوب، بد؛ فیس بوک! [متن مقاله]. بازیابی شده از: <http://www.tabnak.ir/fa/newn>

-دانائی فرد، حسن، (۱۳۸۹) نشریه های پژوهش اجتماعی -جلد اول (رویکردهای کیفی و کمی)
 -زمانی، عباس (۱۳۹۴)، خانواده مجازی مروری بر فرصت ها و چالشهای استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی تلفن همراه، اصفهان
 -شکوری، ع. (۱۳۸۵) «تمايزپذیری و هویت اجتماعی مبتنی بر مصرف: مطالعه موردی جوانان شهر تهران» مجله جهانی رسانه، شماره ۲

-صالحی امیری، رضا و مسعود رجبی (۱۳۸۷) "ضرورت سواد رسانه ای" پژوهشکده ی تحقیقات استراتژیک، شماره ی ۲۲.
 -عدلی پور، صمد؛ قاسمی، وحید، میر محمد تبار، مسعود (۱۳۹۳)، تاثیر شبکه اجتماعی فیس بوک بر هویت فرهنگی کاربران جوان هر اصفهان تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هفتم، شماره ۱، ۱-۲۸.
 -عرب انصاری، مهدی. رضانی، حسن. و صالحی، مهدی (۱۳۹۳). بررسی نقش شبکه های اجتماعی و ماهواره ای در فروپاشی بنیان خانواده. نشریه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، ۳(۹)، ۱۳۶-۱۵۹
 -فلاحی، علی (۱۳۹۵)، تحلیل کیفی و کمی تاثیر شبکه های اجتماعی مجازی در ساختار خانواده
 -عیوضی، غلامحسین، سبک زندگی تلویزیونی و مصرف، فصلنامه فرهنگی -دفاعی زنان و خانواده سال پنجم ۱۶ (۱۳۸۸): ۱۶۷-۱۴۳.

-فاضلی، محمد (۱۳۸۲) مصرف و سبک زندگی، نشر صبح صادق
 -کمالی، مریم؛ سبک زندگی و شبکه های اجتماعی، نشریه الکترونیک رواق (۱۳۹۲).
 -کاستلز، امانول (۱۳۹۳) قدرت ارتباطات، مترجم حسن بصیریان
 - کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات -ظهور جامعه شبکه ای، تهران: طرح نو
 ، پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات. تاریخ انتشار به زبان اصلی (۲۰۰۹)
 -کرایب، یان، (۱۳۸۳). نظریه اجتماعی مدرن (از پارسونز تا هابرماس). ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات آگاه
 مکدوست، حسن (۱۳۱۱). تاریخ اجتماعی رسانهها. تهران: همشهری. ۱۱/۶/۱۴
 -مک کوایل، دینی، مخاطب شناسی، ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها ۱۳۸۰
 -گیدنز اتونونی (۱۳۷۸). تجدید و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی

- گیدنز، انتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
- گیدنز، انتومی (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی، مترجم: صبوری، منوچهر، تهران: نشر نیو
- ویستر، فرانک (۱۳۸۴). نظریه جامعه‌اطلاعاتی، انتشارات وزارت خارجه

-Berthon,P.R,Pitt,L.F.,Plangger.K.&Shapiro,D(2012).Marketing meets Web 2.0,social media ,and creative consumers;Implications for international marketing strategy.Business Horizons.55(3);261-271

-Bertol,J.C.,Jaeger,P.T.,&Grimes,J.M(2010)UsingICTsto create a culture of transparency:Egovernment and social media as openness and anti corruption tools for societies .Government Information Quarterly, 27 (3):264-271

-Bhuimail,A.&sampa,p.,2005,Development of Rural Women through Education and Empowerment,Delhi,Abhijeetpub,320p.

-Bourdieu,p.(1984)Distinctionasocial critique of the judgement of taste .Cambridge,Mass.Harvard university press.

-Peterson,R.A.O.Pateerns of Cultural Choice:Aprolegomenon.American Behavioral Scientist,26(4):422-438

-Pempek,t.&etal.(2009)'College students'social net working exoeriences on facebook',journal of applied Developmental psychology,30:227-238

-Shareh H .Soltani E .Ghasemi A. Prediction of Quality of Life of Non-Insulin-Dependent Diabetic Patients Based on Perceived Social Support. Zahedan J Res Med Sci (ZJRMS). ۲۰۱۲□۱۴(۲):۸۲۱۱